

پیش‌بینی نقدینگی در معرض ریسک بانک خصوصی با استفاده از رویکرد پارامتریک

علی صادق‌زاده یزدی*
علیرضا عرفانی*

اسمعیل ابونوری⁺

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸

چکیده

مدیریت صحیح عرضه و تقاضای نقدینگی بانک‌ها، به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد مالی بازار پول، به‌واسطه کاهش سپرده‌ها و دیگر بدهی‌ها در کنار رشد پرتفوی تسهیلات و دارایی‌های دیگر و نیز اقلام خارج از ترازنامه، یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در مدیریت ریسک بانکی است. از این‌رو، مدیریت نقدینگی با هدف تداوم فعالیت بانکداری و به‌منظور مواجهه نشدن با ریسک‌های ناشی از کمبود نقدینگی، به ارزیابی و کنترل ریسک نقدینگی اقدام می‌کند. بدین منظور در مطالعه حاضر، تلاش شد در راستای کنترل و مدیریت ریسک نقدینگی کارا و اثربخش، مدلی مناسب برای پیش‌بینی ریسک نقدینگی، بر اساس رویکرد پارامتریک، طراحی شود. بر این اساس، نقدینگی در معرض ریسک با استفاده از خانواده مدل‌های ناهمسانی واریانس شرطی خودرگرسیون و استفاده از داده‌های روزانه منابع و مصارف بانک خصوصی در بازه زمانی ۱ مهرماه ۱۳۸۹ تا ۳۱ شهریورماه ۱۳۹۸، بر اساس مفهوم ارزش در معرض ریسک محاسبه شد. نتایج حاصل از ارزیابی مدل‌های به‌کار گرفته‌شده با استفاده از آزمون بازخورد، حاکی از تأیید رویکرد پارامتریک در پیش‌بینی نقدینگی در معرض ریسک روزانه بانک مورد مطالعه در بازه زمانی مورد اشاره است.

واژه‌های کلیدی: دارایی و بدهی، نقدینگی در معرض ریسک، مدل‌های GARCH، آزمون بازخورد.
طبقه‌بندی JEL: G32, G21, F45, C53

* دکتری علوم اقتصادی دانشگاه سمنان، محقق و کارشناس بانکی (نویسنده مسئول)؛
a_sadeghzadeh2003@yahoo.com

⁺ استاد بخش اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان؛

esmaiel.abounoori@semnan.ac.ir

⁺ دانشیار بخش اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان؛ aerfani@semnan.ac.ir

۱ مقدمه

مؤسسات مالی و بانک‌ها، به‌عنوان ارکان اصلی واسطه‌گری مالی، نقشی مهم در فرایند تجهیز منابع و شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری از طریق تخصیص بهینه منابع به بخش‌های مختلف اقتصاد به‌واسطه متنوع‌سازی ریسک دارد و بدین‌سان نقش خود را به‌عنوان شریان اصلی اقتصاد ایفا می‌کنند. در دنیای امروز که مفاهیمی همچون افزایش بهره‌وری، استفاده حداکثری و بهینه از منابع، و کاهش هزینه‌ها بسیار موردتوجه است، وجود مؤسسات مالی در شرایط عدم اطمینان و نبود اطلاعات کامل و متقارن، به‌منظور تجهیز و تخصیص بهینه منابع در مواجهه با اتفاقات غیرمنتظره و تکانه‌های اقتصاد لازم و ضروری است.

نقدینگی به مفهوم توانایی افزایش وجوه در بخش دارایی‌ها و ایفای تعهدات در موعد مقرر با هزینه‌ای معقول است. ریسک نقدینگی، احتمال به‌خطر افتادن توانایی مؤسسه مالی در تأمین منابع نقد برای پرداخت بدهی‌ها، ایفای تعهدات، و افزایش دارایی‌هاست. زمانی که تقاضا برای دریافت وجوه از ظرفیت نقدینگی بانک فزونی می‌یابد، و این تقاضای اضافی با افزایش بدهی‌های جدید یا نقد کردن دارایی‌ها تأمین مالی می‌شود، بانک در معرض ریسک نقدینگی قرار می‌گیرد. از این‌رو، دسترسی پیوسته مؤسسات مالی و بانک‌ها به نقدینگی در جهت ایجاد توانایی برای افزایش مقدار و ارزش مالی دارایی‌ها و ایفای تعهدات بانک در زمان سررسید آن‌ها، موضوعی مهم در ادامه حیات و سلامت بانکی تلقی می‌شود. مدیریت ریسک نقدینگی در پی آن است که از تداوم توانمندی بانک برای ایفای تعهداتش که ناشی از رخدادهای خارجی و رفتار سایر عوامل است، اطمینان حاصل کند (گروه مطالعات ریسک بانک اقتصاد نوین، ۱۳۸۷).

مدیریت مؤثر ریسک نقدینگی به‌منظور نمایان شدن چالش‌های نقدینگی، نیازهای آتی جریان نقد را در شرایط مطلوب، عادی و بحرانی بازار، با توجه به اطلاعات حاصل از عملیات بانک، و ارزیابی تأثیر رخدادهای خارجی در امکان دسترسی به منابع تأمین نقدینگی برآورد می‌کند. چالش‌های نقدینگی در شرایط بحرانی، دسترسی به منابع تأمین مالی وجوه را به‌واسطه تغییر در رفتار طرف‌های مقابل و نیز شرایط بازار، با مخاطرات جدی مواجه می‌کند، به‌طوری‌که موضوع ارزیابی ریسک نقدینگی و نظارت بر مدیریت این ریسک و نیز کنترل‌های مرتبط با آن، یکی از موضوعات اساسی و مهم در مدیریت ریسک بانکی است (کردلویی، نوری، و شمسیان؛ ۱۳۹۵).

بنا به توصیه نهادهای قانون‌گذار و نظارتی نظام بانکی، به‌منظور ارزیابی جامع و سنجش ریسک نقدینگی، بانک باید دامنه‌ای از ابزارهای اندازه‌گیری را متناسب با نیازهای خود به کار

گیرد. از این‌رو، در مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه، از روش‌هایی همچون تعیین منابع و مصارف نقدینگی و محاسبه خالص وضعیت نقدینگی، محاسبه نسبت‌های ترازنامه و مقایسه با نسبت‌های متوسط صنعت، شاخص نقدینگی، محاسبه شکاف تأمین مالی و تخمین نیازهای تأمین مالی، اندازه‌گیری ارزش فعلی خالص ترازنامه بانک، معیارهای اندازه‌گیری ریسک همانند شاخص‌های پراکندگی آماری، دیرش، ارزش در معرض ریسک (ارزش در معرض ریسک)، تجزیه و تحلیل سناریو، آزمون استرس، و یا ترکیبی از این روش‌ها استفاده شده است.

ارزش در معرض ریسک^۱ (VaR) به‌عنوان یکی از سنج‌های ریسک نامطلوب، معیاری برای اندازه‌گیری حداکثر زیان احتمالی سید دارایی است که توسط ودر استون^۲ مدیرعامل مؤسسه جی. پی. مورگان^۳ (۱۹۹۴) ارائه شد. شاخص ارزش در معرض ریسک که از آن به سرمایه در معرض ریسک^۴ نیز یاد می‌شود، به‌سرعت به‌عنوان ابزاری کارآمد در حوزه اندازه‌گیری و سنجش ریسک‌های مالی به‌کار گرفته شد. طبق تعریف، ارزش در معرض ریسک مبلغی از ارزش پرتفوی را که انتظار می‌رود ظرف دوره زمانی مشخص و با میزان احتمال معین از دست برود، مشخص می‌کند. به‌عبارتی دیگر، ارزش در معرض ریسک بدترین زیان موردانتظار را تحت شرایط عادی بازار و طی دوره زمانی مشخص و در سطح اطمینان معین اندازه می‌گیرد.

در تحقیق حاضر، تلاش می‌شود به‌منظور برآورد و ارزیابی ریسک نقدینگی و با هدف کنترل و مدیریت نقدینگی بانک، ارزش در معرض ریسک نقدینگی بر پایه رویکرد پارامتریک^۵ و با استفاده از مدل‌های واریانس ناهمسان شرطی خودرگرسیون^۶ مدل‌سازی و پیش‌بینی شود. آنچه به‌عنوان جنبه‌های نوآورانه و وجه تمایز این مطالعه با مطالعات انجام‌شده در این زمینه می‌توان برشمرد، شامل استفاده از طیفی وسیع از مدل‌های نوسان شرطی به‌منظور

¹ Value at Risk, VAR

² Weatherstone

³ J.P. Morgan

⁴ Capital at Risk

⁵ Parametric Approach

⁶ Generalized Autoregressive Conditional Heteroskedasticity

مدل‌سازی ویژگی‌هایی همچون ناهمسانی واریانس^۱، نوسانات خوشه‌ای^۲، اثر اهرمی^۳، و بازخورد نوسانات^۴؛ معرفی و به‌کارگیری توزیع‌های غیرنرمال به‌عنوان ویژگی‌های مقادیر باقیمانده با هدف مدل‌بندی ویژگی‌هایی همچون دنباله‌های پهن^۵ و کشیدگی^۶ مازاد؛ بررسی و آزمون ویژگی‌هایی همچون حافظه بلندمدت^۷ و انتقال رژیم^۸ در سری داده‌ها و معرفی و به‌کارگیری برخی آماره‌های آزمون بازخورد^۹ (پس‌آزمایی) همانند آزمون رگرسیون کوانتایل پویا^{۱۰} (DQ_{CC}) و تابع زیان رگرسیون چندک^{۱۱} گنزالز-ریورا^{۱۲} (۲۰۰۴) به‌منظور ارزیابی مدل‌های به‌کارگرفته‌شده و کنترل دقت نقدینگی در معرض ریسک برآورده‌شده است.

در ادامه مطالعه و پس از ارائه مقدمه، در قسمت دوم به مبانی نظری و پیشینه تحقیق پرداخته می‌شود. قسمت سوم مقاله به روش‌شناسی پژوهش و توصیف داده‌ها اختصاص یافته است. در قسمت چهارم به برآورد مدل و تحلیل یافته‌های تجربی پرداخته و در قسمت پنجم نیز نتایج حاصل از تحقیق ارائه شده است.

۲ مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱.۲ مبانی نظری

امروزه با توجه به توسعه روزافزون مؤسسات مالی و لزوم مدیریت کارا بر آن‌ها، جایگاه مدیریت ریسک در آن‌ها به‌منظور افزایش کارایی و هدایت بهتر درجهت بهبود وضعیت مالی و ترازنامه‌ای از اهمیتی ویژه برخوردار است. هرچند هر بنگاه اقتصادی نیازمند شناخت صحیح

¹ Heteroskedasticity

² Volatility Clustering

³ Leverage Effect

⁴ Volatility Feedback

⁵ Fat Tails

⁶ Kurtosis

⁷ Long Memory

⁸ Regime Switching

⁹ Backtest

¹⁰ Dynamic Quantile Test, DQ

¹¹ Quantile Regression Loss Function

¹² Gonzalez-Rivera et al.

و کافی از ریسک‌های پیش‌رو و مدیریت صحیح آن‌هاست، رسالت اصلی مؤسسه مالی انتخاب نوع و مقدار ریسک‌ها و مدیریت کارآمد آن‌هاست (فلاح شمس و همکاران؛ ۱۳۹۴).

بانک‌ها و مؤسسات مالی به‌دلیل ماهیت، گستردگی، و تنوع فعالیت‌های خود با ریسک‌های متعدد مواجه‌اند، اما ریسک‌هایی را که نظام بانکی با آن مواجه است، به‌طور کلی به چهار دسته ریسک مالی^۱، ریسک عملیاتی^۲، ریسک تجاری^۳، و ریسک ناشی از حوادث تقسیم می‌شود (وان گرونینگ و براجویچ^۴، ۲۰۰۰).

بر این اساس، ریسک نقدینگی به‌عنوان یکی از انواع ریسک‌های مالی مطرح می‌شود. نقدینگی بر خورداری از موجودی نقد برای جبران شکاف بین جریان‌ات نقدینگی خروجی و ورودی است که به‌لحاظ زمانی دارای تطابق باشد. ریسک نقدینگی ضرر و زیان بالقوه مؤسسات مالی به‌دلیل ناتوانی در ایفای به‌موقع تعهدات سررسیدشده یا تأمین منابع مالی به‌منظور افزایش دارایی‌ها بدون تحمل هزینه‌ها و زیان غیرقابل قبول است. ریسک نقدینگی ناتوانی بانک در ایفای تعهدات سررسیدشده بدون اثرگذاری معکوس در وضعیت مالی بانک به‌حساب می‌آید (کومار و یاداو^۵، ۲۰۱۳).

ریسک نقدینگی بانک‌ها برخاسته از تأمین مالی بلندمدت دارایی‌های بانک با بهره‌جویی از بدهی‌های کوتاه‌مدت است و بدین‌ترتیب بدهی بانک‌ها (سپرده‌های بانکی) باید به‌طور مستمر تجدید یا این بدهی‌ها تأمین مالی مجدد شود. سپرده‌های بانکی عموماً دارای سررسیدهای قراردادی بسیار کوتاه‌تر نسبت به وام‌های بانک است و مدیریت نقدینگی باید علاوه بر پوشش متفاوت سررسید دارایی و بدهی بانک‌ها، محافظ یا حاشیه امنی برای پوشش ریسک برداشت از حساب‌های سپرده‌ای بانک داشته باشد. مدیریت نقدینگی، توانایی کارآمد تجهیز، تأمین و نگهداری سپرده‌ها و نیز کاهش بدهی‌ها (سپرده‌ها)، و تأمین مالی افزایش وام‌ها و اqlام زیر خط ترازنامه بانک است. جریان وجوه نقد مؤسسات مالی معمولاً در افاق‌های زمانی متفاوت بر اساس رفتار آتی احتمالی دارایی‌ها، بدهی‌ها، و اqlام زیر خط ترازنامه مؤسسات طبقه‌بندی می‌شود (گروه مطالعات ریسک بانک اقتصاد نوین، ۱۳۸۷).

هم‌زمان با جهانی شدن اقتصاد و تغییر شکل ساختار بازارهای مالی بین‌المللی، ریسک‌هایی که بنگاه‌های اقتصادی را متأثر می‌سازد به‌طوری گسترده تغییر یافت،

¹ Financial Risk

² Operational Risk

³ Business Risk

⁴ Van Greuning & Brajovic Bratanovic

⁵ Kumar & Yadav

به‌گونه‌ای که با ظهور ابزارهای مالی جدید در دهه هشتاد، دیگر روش‌های سنتی مدیریت ریسک پاسخ‌گوی کنترل و مدیریت ریسک‌های ناشی از این ابزارها نبود و مدیریت ریسک را با چالشی جدید مواجه ساخت. از سوی دیگر، ورشکستگی‌های متعدد بنگاه‌ها در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی که در نتیجه نظارت ضعیف و نبود مدیریت مناسب در حوزه ریسک مالی بود، منجر به پیدایش و ظهور شیوه‌های نوین سنجش ریسک با محوریت مفهوم ارزش در معرض ریسک بود. این روش که به‌سادگی قابل فهم بود، به‌دلایلی چند، توانست به‌عنوان ابزاری کارآمد در حوزه اندازه‌گیری و سنجش ریسک‌های مالی به کار گرفته شود. اولین دلیل اینکه، این سنجه برای نخستین بار بر استفاده از معیارهای سنجش ریسک به‌منظور مدیریت ریسک در فضای صنعت تأکید داشت، این در حالی است که سایر معیارهای سنجش ریسک برای اندازه‌گیری و مدیریت ریسک بر چنین رویکرد جامعی متمرکز نبود (دود^۱؛ ۲۰۰۲). دوم اینکه، معیارهای ریسک قبلی بر رفتار نرخ بازدهی دارایی بر مبنای برخی مدل‌های نظری که ارتباط بین ریسک و بازدهی را مطرح می‌کرد، تأکید داشت؛ این در حالی است که در مدل‌های ارزش در معرض ریسک، کمی‌سازی و اندازه‌گیری ریسک بیشتر بر اساس زیان‌های انتظاری (نه بازده موردانتظار) انجام می‌گیرد. سوم اینکه، کمیته بازل که بر عملکرد و مقررات بانکداری بین‌المللی نظارت می‌کند، در سال ۱۹۹۵ معیار ارزش در معرض ریسک را برای تعیین سرمایه موردنیاز برای پوشش ریسک بازارهای مالی پیشنهاد کرد. این امر باعث شد تا معیار ارزش در معرض ریسک و شاخص‌های مرتبط با آن به‌عنوان سنجه‌ای متداول موردتوجه قرار گیرد (عبده تبریزی و رادپور، ۱۳۸۸).

معیار ارزش در معرض ریسک علی‌رغم آنکه از سوی بسیاری از خبرگان و فعالان بازارهای مالی و ریسک به‌عنوان سنجه‌ای مناسب و جامع پذیرفته شده است، در عین حال کسانی هم هستند که در مورد مشکلات و محدودیت‌های آن هشدار داده‌اند (هوپ^۲، ۱۹۹۸ و تالب^۳، ۱۹۹۷). برخی از این محدودیت‌ها شامل موارد زیر است: ۱- اعتبار مفروضات آماری ارزش در معرض ریسک موردتردید است. در این خصوص، انتقال ساده مدل‌های ریاضی و آماری از علوم فیزیکی به سیستم‌های اجتماعی موردانتقاد قرار دارد. این‌گونه کاربردها اغلب ویژگی‌های مهم سیستم‌های اجتماعی نظیر یادگیری فعالان بازار، واکنش آن‌ها در مقابل شرایط جدید، و غیر ایستا بودن و پویایی بسیاری از فرایندهای بازار را نادیده می‌گیرد؛ ۲- برخی ادعا می‌کنند که برآوردهای ارزش در معرض ریسک غیردقیق است. شواهد تجربی در

¹ Dowd² Hoppe³ Taleb

این زمینه نگران‌کننده است، زیرا حاکی از برآوردهای بسیار متفاوت مدل‌های ارزش در معرض ریسک است؛^۳ استفاده از ارزش در معرض ریسک ممکن است همانند عامل فراگیر ریسک به بی‌ثباتی سیستم مالی منجر شود. تالب می‌گوید استفاده‌کنندگان از ارزش در معرض ریسک اغلب پوشش‌دهندگانی هستند که باید در مواجهه با تغییرات قیمت‌های بازار در موقعیت خود تجدیدنظر کنند. حال اگر همه از ارزش در معرض ریسک برای برآورد ریسک استفاده کنند این خطر وجود دارد که رفتار یادشده در جهت پوشش ریسک، ریسک‌های ناهمبسته را همبسته کند و بدین‌ترتیب شرکت‌ها پیش از برآورد ارزش در معرض ریسک متحمل ریسک شوند؛ و ۴- محدودیت مهم سنجۀ ارزش در معرض ریسک این است که تنها در صورت عدم‌تخطی در مورد بیشترین زیان داوری می‌کند؛ اما در صورت رخداد تخطی، انتظار داریم میزان زیان بیشتر از ارزش در معرض ریسک شود و این در حالی است که ارزش در معرض ریسک در مورد زیان‌های فراتر از مقدارش چیزی برای گفتن ندارد.

۱.۱.۲ ارزش در معرض ریسک

در حالت کلی، در خصوص ریسک در بازارهای مالی دو دیدگاه اساسی وجود دارد. دیدگاه اول ریسک را به‌عنوان هرگونه نوسان احتمالی بازده اقتصادی در آینده لحاظ می‌کند و دیدگاه دوم معتقد است اگرچه هر نوسانی (مثبت و منفی) ریسک تلقی می‌شود، کارگزاران اقتصادی برای تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری، صرفاً بر نوسانات منفی بازده در آینده متمرکز می‌شوند (کردبچه و همکاران ۱۳۹۱). در چهارچوب مباحث مطروح‌شده، سنجه‌های ریسک نوسان (پراکندگی)^۱ و معیارهای ریسک نامطلوب^۲ در این گروه (سنجه‌های ریسک مرتبط با نظریۀ سبد دارایی مارکوویتز) جای می‌گیرد. در گروه اول تأکید ریسک بر کلیۀ نوسانات است به‌عبارتی، هم نوسانات رو به بالا که شامل فرصت‌های ارزشمند سرمایه‌گذاری است و هم نوسانات رو به پایین که بیانگر زیان سرمایه‌گذار است، موردتوجه قرار می‌گیرد. در گروه دوم صرفاً تغییرات منفی (بازدهی‌های کمتر از نرخ بازده میانگین) در نظر گرفته می‌شود (صادقی، سروش، و فرهانیان، ۱۳۸۹).

مفهوم ارزش در معرض ریسک به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین سنجه‌های اندازه‌گیری ریسک، نخستین بار توسط بامول^۳ در سال ۱۹۶۳ پیشنهاد شد. طی دو دهۀ اخیر، دامنه کاربرد این سنجه به‌عنوان الگوی جدید سنجش ریسک نامطلوب، به‌طوری چشمگیر گسترش

¹ Dispersion Measures

² Downside Measures

³ Bamoul

یافته است، به‌طوری‌که از آن برای اندازه‌گیری انواع ریسک‌ها بالأخص ریسک‌های موجود در بازارهای مالی، مدیریت ریسک، و نیز برای مقاصد قانون‌گذاری استفاده می‌شود. دلیل محبوبیت و همچنین عمومیت این روش، سادگی آن در ایجاد شکل آماری خلاصه از زیان‌های بالقوه طی افق زمانی معین بود (محمد، ۲۰۰۵).

ارزش در معرض ریسک می‌کوشد تا عددی معین به تحلیلگر ارائه کند که در آن عدد، اطلاعاتی در مورد ریسک پرتفوی به‌طور فشرده مستتر باشد. این معیار برآوردی از سطح زیان بر پرتفوی یا سبد سرمایه‌گذاری است که به احتمال معین ضعیف پیش‌بینی می‌شود با آن مساوی شود و یا از آن تجاوز نکند. ارزش در معرض ریسک برخلاف سنجه‌های سنتی ریسک، نمایی کلی و جامع از ریسک پرتفوی ارائه می‌کند. در واقع، سنجه ریسک بر اساس این معیار، نگاهی آینده‌نگر دارد که برای تمام انواع اسناد مالی کارایی دارد. مدل ارزش در معرض ریسک دربردارنده سه عامل اصلی افق زمانی، سطح اطمینان، و میزان سرمایه است (دؤد؛ ۲۰۰۲).

ارزش در معرض ریسک حداکثر زیانی است که کاهش ارزش سبد دارایی برای دوره‌ای معین در آینده با ضریب اطمینانی مشخص از آن بیشتر نمی‌شود. به‌عبارتی دیگر، ارزش در معرض ریسک بدترین زیان موردانتظار را تحت شرایط عادی بازار و طی دوره زمانی مشخص و در سطح اطمینانی معین اندازه می‌گیرد. بر اساس تعریف صورت‌گرفته، ارزش در معرض ریسک دارای دو پارامتر افق زمانی (n که بر اساس تعداد روز بیان می‌شود) و سطح اطمینان (α) است. بر این اساس، مبلغ تحت ریسک (ارزش در معرض ریسک) مقدار زیانی است که معادل با $(1-\alpha)$ درصد منحنی توزیع احتمال ارزش پرتفوی طی n روز آینده است. به‌عبارتی، $(1-\alpha)$ درصد اطمینان داریم که طی n روز آتی، بیشتر از میزان ارزش در معرض ریسک متحمل زیان نخواهیم شد. از نظر ریاضی می‌توان ارزش در معرض ریسک را به‌صورت زیر نشان داد:

$$Pr[P_{t+1} - P_t \geq |VaR_{t+1}^C|] \leq \alpha$$

یا

$$Pr[P_{t+1} - P_t \leq |VaR_{t+1}^C|] \geq 1 - \alpha \quad (1)$$

که در آن Pr = احتمال، VaR ارزش در معرض ریسک، C برابر $1-\alpha$ و نشان دهنده سطح اطمینان، P_t ارزش سبد دارایی در زمان t و P_{t+1} ارزش سبد دارایی در زمان $t+1$ است، α سطح معنی‌داری آماری است. رابطه فوق بیان می‌کند احتمال اینکه کاهش ارزش سبد دارایی در دوره آتی بیش از ارزش در معرض ریسک باشد، حداکثر برابر α است، یا احتمال

اینکه زیان سبد دارایی در دوره‌آتی کمتر از ارزش در معرض ریسک باشد، حداقل برابر $1 - \alpha$ است. رابطه‌ی اخیر را می‌توان بر حسب بازدهی‌ها (r_t) نیز به‌صورت زیر بیان کرد:

$$Pr[r_{t+1} \geq |Var_{t+1}^C|] \leq \alpha$$

یا

$$Pr[r_{t+1} \leq |Var_{t+1}^C|] \geq 1 - \alpha \quad (۲)$$

ارزش در معرض ریسک را می‌توان به‌صورت صدک $1 - \alpha$ ام توزیع احتمال بازدهی به‌صورت زیر تعریف کرد:

$$\begin{aligned} Var_{t+1}^C &= -Q_{1-\alpha}(r_{t+1}|\Omega_t) \\ &= -\inf(r \in R: Pr(r_{t+1} \leq VAR|\Omega_t \geq 1 - \alpha)) \end{aligned} \quad (۳)$$

که در آن $Q_{1-\alpha}$ بیانگر صدک $1 - \alpha$ ام و Ω_t مجموعه اطلاعات دوره‌ی t است. با فرض اینکه سری زمانی بازدهی دارایی‌های مالی $\{r_t\}_{t=1}^T$ از فرایندی تصادفی به شکل زیر تبعیت می‌کند:

$$\begin{aligned} r_t &= E(r_t|\Omega_{t-1}) + \varepsilon_t = \mu_t + \sigma_t z_t \\ z_t &\sim iid(0,1) \quad , \quad E(r_t|\Omega_{t-1}) = 0 \quad , \quad \sigma_t^2 = E(\varepsilon_t^2|\Omega_{t-1}) \end{aligned} \quad (۴)$$

که در آن μ_t و σ_t^2 به‌ترتیب بیانگر میانگین شرطی و واریانس شرطی بازدهی‌ها در دوره‌ی t با توجه به اطلاعات دوره‌ی $t-1$ ، ε_t تکانه‌ی بازدهی‌ها و z_t متغیر تصادفی مستقل و معین با میانگین صفر و واریانس واحد است؛ بنابراین، ارزش در معرض ریسک برابر خواهد بود با:

$$Var_t^C = -Q_{1-\alpha}(r_t|\Omega_{t-1}) = -(\mu_t + \sigma_t Q_{t-1}(z)) \quad (۵)$$

که در آن $Q_{t-1}(z)$ صدک $1 - \alpha$ ام توزیع تکانه‌ی بازدهی‌ها (z) است. اگر فرض کنیم r دارای تابع چگالی احتمال f و تابع توزیع تجمعی F باشد و z دارای تابع چگالی احتمال و تابع توزیع تجمعی به ترتیب g و G باشد، می‌توان نشان داد:

$$Q_{1-\alpha}(r) = -F_r^{-1}(1 - \alpha) \quad Q_{1-\alpha}(z) = -G_z^{-1}(1 - \alpha) \quad (۶)$$

بنابراین در حالت کلی، ارزش در معرض ریسک را می‌توان به دو صورت زیر برآورد کرد:

$$Var_{t+1}^C = F_r^{-1}(1 - \alpha) = -Q_{1-\alpha}(r) \quad (7)$$

$$Var_{t+1}^C = \sigma_t G_z^{-1}(1 - \alpha) - \mu_t \quad (8)$$

بر اساس رابطه اخیر، محاسبه ارزش در معرض ریسک به معکوس تابع توزیع تجمعی بازدهی‌ها و یا برآورد واریانس شرطی و تعیین نوع توزیع z بستگی دارد. روش برآورد ارزش در معرض ریسک در رویکرد پارامتریک بر اساس رابطه (۸) به این صورت است که میانگین و واریانس شرطی بازدهی‌ها بر اساس معادلات نوسان پیش‌بینی می‌شود و با معین بودن نوع توزیع تکانه بازدهی‌ها و نیز مقدار صدک آن، ارزش در معرض ریسک پیش‌بینی می‌شود.

نقدینگی در معرض ریسک سطحی از نقدینگی است که با احتمالی مشخص در دوره زمانی معین، انتظار داریم نقدینگی مؤسسه مالی از آن سطح پایین‌تر نرود. در واقع بر اساس مفهوم ارزش در معرض ریسک و همچنین مفاهیم برگرفته از آن همانند نقدینگی در معرض ریسک، به دنبال مشخص کردن توزیع احتمال متغیر موردنظر در دوره زمانی آینده و انتخاب صدکی خاص، با توجه به انتظارات ما از دقت اندازه‌گیری، به عنوان متغیر در معرض ریسک است (گروه مطالعات ریسک بانک اقتصاد نوین؛ ۱۳۸۷).

۲/۲ پیشینه پژوهش

دیواندری، لوکس، و موسوی (۱۳۸۳) در مطالعه خود به منظور کنترل ریسک نقدینگی به طراحی مدل پیش‌بینی در مدیریت نقدینگی نهادهای مالی در چهارچوب نظام بانکداری بدون ربا پرداختند. در گام نخست به منظور طراحی مدل عملیاتی تحقیق به شناسایی و مدل‌سازی کلیه اقلام نقدینگی بر اساس رهیافت منابع-مصارف بر اساس اطلاعات مالی سال ۱۳۸۳ بانک ملت اقدام کردند. در گام بعدی، به منظور پیش‌بینی مؤلفه‌های نقدینگی (منابع-مصارف)، از روش شبکه‌های عصبی با ساختار پرسپترون سه‌لایه و الگوریتم آموزش پس انتشار خطا استفاده کردند.

پدرام، شیرین‌بخش، و زاوریان (۱۳۸۷) در پژوهشی به پیش‌بینی جریان نقدینگی بانک و تعیین شکاف نقدینگی درجهت کنترل ریسک نقدینگی یکی از بانک‌های خصوصی کشور پرداختند. در این راستا، آن‌ها از رویکرد منابع-مصارف وجوه برای پیش‌بینی نقدینگی استفاده کردند. آن‌ها در این بررسی علاوه بر پیش‌بینی روزانه جریان‌های نقدینگی حاصل از عملیات بانک، شکاف نقدینگی را با توجه به تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی و شرایط بازار مالی و همچنین آثار تقویمی برای دوره بعد پیش‌بینی کردند.

رستمیان و حاجی بابایی (۱۳۸۸) با استفاده از مدل ارزش در معرض ریسک بر اساس روش شبیه‌سازی تاریخی مبتنی بر رویکرد ناپارامتریک^۱ به اندازه‌گیری ریسک نقدینگی بانک سامان در بازه زمانی ۱۳۸۱-۱۳۸۶ اقدام کردند. آن‌ها با استفاده از صورت‌های مالی بانک به آزمون فرضیه خود مبنی بر کاهشی بودن روند ریسک نقدینگی بانک طی سال‌های مورد اشاره پرداختند که برای آزمون آن از روش تحلیل روند کاکس-استوارت و مدل رگرسیون ساده استفاده کردند و نتایج حاصل از آن بیانگر روند نزولی ریسک نقدینگی در بانک سامان بوده است.

پورزندی، عمرانی، و کاوند (۱۳۹۱) به طراحی مدل اندازه‌گیری ریسک نقدینگی در نظام بانکداری بدون ربا پرداختند. آن‌ها با هدف ارائه مدلی مطلوب برای اندازه‌گیری ریسک نقدینگی در بانک ملت، پس از تعیین متغیرهای مؤثر در ریسک نقدینگی، اهداف، محدودیت‌های ساختاری و آرمانی مدل، از رویکرد برنامه‌ریزی آرمانی استفاده کردند. بدین منظور با پیش‌بینی نقدینگی سال ۱۳۸۹، برای اندازه‌گیری ریسک نقدینگی، نقدینگی حاصل از مدل و نقدینگی واقعی طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ با هم مقایسه شده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که کلیه اولویت‌ها و اهداف تعریف‌شده از سوی مدیران بانک به‌طور کامل تأمین شده است.

بنده (۱۳۹۱) در پژوهشی به ارزیابی و تبیین ریسک نقدینگی بانک کشاورزی ایران در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ پرداختند. به‌منظور دستیابی به اهداف تحقیق، آن‌ها از مفهوم نقدینگی در معرض ریسک^۲ (LaR) با استفاده از چهار مدل شامل دو گروه اقتصادسنجی (آرچ^۳ و گارچ^۴) و دو گروه ریسک‌سنجی (MA^۵ و EWMA^۶)، استفاده کردند. نتایج تحقیق موردنظر نشان‌دهنده آن است که زیرمدل‌های موردبررسی از کارایی مناسبی برای پیش‌بینی ریسک نقدینگی بر اساس مدل نقدینگی در معرض ریسک برخوردارند. همچنین در این تحقیق، مدل گارچ به‌عنوان اپراتور نوسان، مدلی کارا تر نسبت به سایر مدل‌های اندازه‌گیری نوسان در این تحقیق مطرح می‌شود.

¹Non- Parametric Approach

² Liquidity at Risk

³ AutoRegressive Conditional Heteroskedasticity, ARCH

⁴ Generalized AutoRegressive Conditional Heteroskedasticity, GARCH

⁵ Moving Average, MA

⁶ Exponentially Weighted Moving Average , EWMA

عرب مازار و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه میان ترکیب دارایی- بدهی و ریسک نقدینگی بانک‌ها در ایران پرداختند. آن‌ها به منظور شناسایی عوامل مؤثر در ریسک نقدینگی، رابطه میان ترکیب دارایی- بدهی بانک‌ها و ریسک نقدینگی را با توجه به صورت‌های مالی بانک‌های فعال در نظام بانکی کشور در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ با استفاده از روش تجزیه و تحلیل کانونی مورد بررسی قرار دادند. بر اساس محاسبات انجام شده، ۹۸ درصد تغییرپذیری متغیرهای وابسته (نسبت‌های نقدینگی) با تغییرپذیری متغیرهای مستقل (ترکیب دارایی- بدهی) تبیین می‌شود. به عبارتی دیگر، ریسک نقدینگی از نحوه ترکیب دارایی- بدهی بانک‌ها تأثیر می‌پذیرد و فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه میان دو مجموعه از متغیرها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

پورشرافتان و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه خود به مسئله مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکداری با استفاده از کنترل بهینه تصادفی پرداختند. آن‌ها با هدف تعیین استراتژی بهینه برای کاهش ریسک نقدینگی بانک از طریق افزایش نسبت پوششی نقدینگی، روشی را مبتنی بر دینامیک تصادفی پارامترهای نقدینگی بانک از قبیل دارایی‌های نقدشونده و خالص جریان نقدی خروجی ارائه می‌دهند. در این مسیر آن‌ها سیستمی دینامیکی را به منظور تبیین رفتار نقدینگی از طریق مشاهده همین نوع رفتار در گذشته اعتباری، عملیاتی، بازار، و نقدینگی برای پیش‌بینی رفتار نقدینگی بانک ارائه می‌کنند.

احمدیان و کیانوند (۱۳۹۴) در پژوهش به تحلیل نقش بانک مرکزی در کاهش احتمال رخداد ریسک نقدینگی در شبکه بانکی کشور در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ پرداختند. آن‌ها در این تحقیق با بهره‌گیری از روش پانل لاجیت و با استفاده از داده‌های مربوط به صورت‌های مالی بانک‌های موجود در کشور، نقش سیاست پولی (تزریق نقدینگی) در کاهش احتمال رخداد ریسک نقدینگی شبکه بانکی کشور را با توجه به میزان سلامت آن‌ها مورد تحلیل قرار دادند. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر آن است که تزریق نقدینگی می‌تواند احتمال رخداد ریسک نقدینگی را در شبکه بانکی کشور کاهش دهد. همچنین سیاست پولی در بانک‌هایی که در مقایسه با سایر بانک‌ها از سلامت بیشتری برخوردارند، نقشی مؤثرتر در کاهش احتمال رخداد ریسک نقدینگی دارد.

اسماعیل‌زاده و جوانمردی (۱۳۹۶) با هدف مدیریت ریسک نقدینگی بانک صادرات ایران، به مدل‌بندی و پیش‌بینی نقدینگی اقدام کردند. آن‌ها در پژوهش خود با استفاده از داده‌های نقدینگی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، نقدینگی بانک را برای سال ۱۳۹۵ با استفاده از مدل

میانگین متحرک خودهمبسته یکپارچه (آریما)^۱ پیش‌بینی کردند. آن‌ها همچنین به‌منظور مدل‌سازی ریسک نقدینگی از تخمین نقدینگی در معرض ریسک بر اساس مدل‌های آرچ و گارچ استفاده کردند. نتایج حاصل از تحقیق آن‌ها بیانگر آن است که مدل آریما مدلی مناسب برای پیش‌بینی نقدینگی است، ضمن اینکه با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی، امکان مدل‌بندی ریسک نقدینگی وجود دارد.

چرنوزکوف و اُمانتسف^۲ (۲۰۰۱) به‌منظور اندازه‌گیری ریسک نوسان نرخ بدهی‌های بدون سررسید و با هدف کنترل و مدیریت ریسک نقدینگی از مفهوم ساختار زمانی نقدینگی استفاده کرده‌اند. ساختار زمانی احتمال کاهش حجم نقدینگی را نسبت به سطح معین و در دوره‌های زمانی مشخص بر اساس پیش‌بینی حجم نقدینگی اندازه‌گیری کرده است، از این رو، در ایمن‌سازی پرتفوی بدهی‌ها در مقابل ریسک نقدینگی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برکووتیز و برین^۳ (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزش در معرض ریسک ترازنامه یک بانک» به‌منظور کنترل و مدیریت ریسک نقدینگی بانک، به تحلیل اقلام ترازنامه یک بانک نمونه و تعیین اقلامی که در محاسبه ارزش در معرض ریسک بانک نقش دارد، پرداخته و نحوه استفاده مدیریت از اطلاعات مربوط به ارزش در معرض ریسک محاسبه‌شده در تصمیم‌گیری را شرح داده‌اند. دسته‌بندی اقلام ترازنامه برای محاسبه ارزش در معرض ریسک بانک بر اساس انواع نرخ‌های موجود در صنعت بانکداری انجام شده است.

در مطالعه‌ای، رینگبام، اوزشی، و ران^۴ (۲۰۰۴) به بررسی ریسک نقدینگی برای نظام بانکی کشور فنلاند در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۳ پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود از میزان برداشت سپرده از بانک به‌عنوان شاخص نقدینگی استفاده کردند و برای برآورد احتمال رخداد ریسک نقدینگی، روش بهینه‌یابی را به‌کار گرفتند و از نرخ ذخیره قانونی به‌عنوان سیاست پولی و میزان تزریق نقدینگی توسط بانک مرکزی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل اثرگذار در این احتمال استفاده کردند. نتایج حاکی از آن است که وقتی بانک‌ها با برداشت ناگهانی سپرده مواجه می‌شوند، بانک مرکزی به‌منظور جلوگیری از بحران نقدینگی در شبکه بانکی، نرخ ذخیره قانونی را کاهش می‌دهد و با تزریق نقدینگی، نقدینگی موردنیاز بانک‌ها را فراهم می‌آورد.

¹ Auto Regressive Integrated Moving Average, ARIMA

² Chernozhukov & Umantsev

³ Berkowitz & O'Brien

⁴ Ringbom, Ozshy & Rune

همچنین گستردگی بازار بین بانکی دسترسی بانک‌ها به منابع بازار بین بانکی را تسهیل می‌کند و از این رو، بانک‌ها کمتر با خطر ریسک نقدینگی مواجه می‌شوند.

متز^۱ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای به مدل‌سازی و پیش‌بینی رشد سپرده‌ها بر اساس مدل خطی با هدف مدیریت ریسک نقدینگی با توجه به جریان احتمالی سپرده‌گذاری در بانک پرداخت. بر اساس مدل طراحی شده، رشد سپرده‌های بانکی تابعی از رشد حجم پول، حجم اوراق خزانه سه‌ماهه، و اوراق خزانه ده‌ساله است. همچنین در این تحقیق، اثر سایر عوامل اقتصادی همچون رشد تولید ناخالص داخلی، رشد شاخص قیمت‌ها، نرخ‌های بهره، و سایر متغیرهای اقتصادی به همراه وقفه‌های مختلف برای تخمین مدل آزمون شدند که به دلیل نبود اعتبار آماری، به عنوان متغیرهای توضیحی وارد مدل نشدند.

در مطالعه‌ای، فریکساس، مارتین، و اسکی^۲ (۲۰۱۱) با هدف کنترل و مدیریت نقدینگی به بررسی اثربخشی بازار بین بانکی در تخصیص منابع و سیاست بهینه بانک مرکزی در عکس‌العمل به تکان نقدینگی می‌پردازند. آن‌ها بیان می‌دارند که بانک‌ها در مواجهه با بحران نقدینگی تلاش می‌کنند نقدینگی مورد نیاز خود را از بازار بانکی تأمین کنند. سیاست بهینه بانک مرکزی در این شرایط، کاهش نرخ بهره بازار بین بانکی و تزریق نقدینگی برای مقابله با بحران نقدینگی است. همچنین به هنگام مواجهه بانک‌ها با کمبود نقدینگی، کاهش نرخ سود سپرده منجر به افزایش احتمال هجوم، کاهش ثبات، و ورشکستگی بانکی می‌شود.

اسمال^۳ (۲۰۱۰) به منظور کنترل و مدیریت ریسک نقدینگی در نظام بانکداری اندونزی در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۷ شاخصی را طراحی کرد و رویه‌های مدیریت ریسک نقدینگی را در این نظام مورد بررسی قرار داد. شاخص مطرح شده توسط وی در سه بانک اسلامی که حدود ۸۲ درصد از سهم بازار بانکداری اسلامی را در آن کشور دارند، مورد آزمون قرار گرفت و رتبه خوبی به رویه‌های مدیریت ریسک نقدینگی داده شد. همچنین وی در تحقیق دیگری با هدف مدیریت ریسک نقدینگی^۴ (LRM) در نظام بانکداری اسلامی اندونزی، با لحاظ ویژگی‌های سپرده‌گذاران و رفتارها و انتظارات سرمایه‌گذاری آن‌ها، به تحلیل و ارزیابی مدیریت نقدینگی در آن کشور می‌پردازد و برنامه‌ای جامع و یکپارچه را برای مدیریت ریسک

¹ Metz

² Freixas, Martin & Skeie

³ Ismal

⁴ Liquidity Risk Management, LRM

نقدینگی ارائه می‌دهد. این برنامه روشی بهتر را برای مدیریت ریسک نقدینگی بر اساس اصول شریعت با لحاظ همه ابعاد مدیریت ریسک نقدینگی ارائه می‌دهد.

در پژوهشی، ولدوا^۱ (۲۰۱۱) با هدف شناسایی عوامل مؤثر در ریسک نقدینگی به بررسی اثر عوامل مؤثر در نظام بانکی یونان با استفاده از روش پانل دیتا در دوره زمانی ۲۰۰۱-۲۰۰۹ پرداخت. شاخص‌های معرف ریسک نقدینگی در این مطالعه شامل نسبت دارایی نقد به سپرده فرار، تسهیلات به کل دارایی، و تسهیلات به کل سپرده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، رابطه کفایت سرمایه، نرخ بهره بازار بین‌بانکی، و فعالیت بازار بین‌بانکی با نقدینگی مثبت بوده است و نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات، نرخ تورم، و ادوار تجاری اثری منفی در نقدینگی بانک دارد. همچنین رابطه میان اندازه بانک و نقدینگی مبهم است.

مانتینو^۲ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با انتخاب نرخ بهره به عنوان نقش بانک مرکزی، نسبت تسهیلات به کل دارایی و نسبت دارایی نقد به سپرده فرار به عنوان شاخص‌های نقدینگی، با استفاده از روش پانل برای کشور رومانی در بازه زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۰، به شناسایی عوامل مؤثر در ریسک نقدینگی در قالب عوامل بانکی و اقتصادی پرداخت. نرخ بهره، شاخص ثبات بانکی، کفایت سرمایه، و نسبت درآمد به هزینه بانک به عنوان عوامل بانکی رشد اقتصادی و تورم و شاخص بیکاری به عنوان عوامل اقتصادی در این مطالعه به کار گرفته شد. نتایج حاکی از آن است که افزایش نرخ بهره باعث افزایش نقدینگی بانک به دلیل افزایش جذب سپرده و در نتیجه کاهش ریسک نقدینگی می‌شود.

رات نوسکی^۳ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «نقدینگی و شفافیت در مدیریت ریسک بانکی» بیان می‌کند که در برخی موارد بانک‌ها ممکن است قادر به تأمین مالی بدهی‌های کوتاه‌مدت خود نباشند. به منظور مدیریت بهینه این ریسک، بانک‌ها می‌توانند مجموعه‌ای از دارایی‌های با درجه نقدشوندگی بالا را نزد خود نگه‌دارند و یا شفافیت در برقراری پرداخت بدهی را تقویت کنند. درحالی‌که، نگهداری مجموعه دارایی نقد بیمه کامل در برابر تکانه‌های کوچک را فراهم می‌کند و شفافیت را افزایش می‌دهد، اما برای تکانه‌های بزرگ، این شفافیت ناکامل است. بر اساس نسبت بدهی (منابع) به دارایی (مصارف) به عنوان معیار ریسک نقدینگی، بانک ممکن است استراتژی نقدینگی ناکافی و عدم شفافیت را به جهت برخورداری از بازده بیشتر انتخاب کند. نیاز به نقدینگی می‌تواند گزینه‌های شفافیت بانک را خدشه‌دار کند و ریسک تأمین مالی را افزایش دهد. وی بیان می‌کند که به منظور اثرگذاری شفافیت، نقدینگی

¹ Voldova

² Munteanu

³ Ratnovski

مورد نیاز باید توسط اقداماتی - مشوق‌های بانکی که شفافیت را افزایش می‌دهد - تکمیل شود.

جین-لوپ^۱ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای بر اهمیت نقدینگی برای بانک و ناهمگونی تأثیر ریسک نقدینگی در بانک‌ها در طول بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ پرداخت. وی معتقد است که مجموعه‌ای از شاخص‌های نقدینگی شرحی از شرایط نقدینگی بازار مالی را برای تصمیم‌گیران فراهم می‌آورد. درحالی‌که، تحلیل انفرادی بانک‌ها بر اساس این شاخص‌ها تحت چنین شرایطی مطلوب نیست. به‌طور مشابه، شاخص‌های ترازنامه تنها نشان‌دهنده درجه‌ای از در معرض ریسک قرار گرفتن بالقوه بانک در برابر تکانه‌های نقدینگی است. وی در این تحقیق با استفاده از مدل ریسک عامل، روشی را برای اندازه‌گیری حساسیت بانک به ریسک نقدینگی ارائه می‌دهد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ریسک نقدینگی ریسکی خاص و قابل تأمل برای نظام بانکی است و نوعی ناهمگونی در خصوص تأثیرپذیری بانک‌ها از ریسک نقدینگی وجود دارد. شرایط نقدینگی می‌تواند باعث سودآوری یا زیان بانک‌ها شود، همچنین آن‌ها می‌توانند نسبت به چنین شرایطی غیرحساس باشند. اندازه بزرگ‌تر بانک و سطوح بالاتر سرمایه به‌عنوان عوامل مؤثر در ایمنی بانک‌ها در مقابله با ریسک نقدینگی است. انضباط بازار پول به تولید نقدینگی مربوط می‌شود، اما این موضوع تنها در خصوص بانک‌های کمتر مخاطره‌آمیز در مواقع بحران نقدینگی صادق است. این موضوع به‌وسیله الزامات نقدینگی برای کلیه بانک‌ها بر اساس نسبت‌های نقدینگی مبتنی بر قوانین بازل ۳ تقویت می‌شود.

حسن و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری، و ثبات در بانک‌های اسلامی و عادی» به ارزیابی ریسک نقدینگی در بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های عادی پرداختند. آن‌ها با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری هم‌زمان بر روی داده‌های مربوط به ۵۲ بانک اسلامی و عادی از میان کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری‌های اسلامی برای دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۵ دریافتند که رابطه‌ای منفی بین ریسک اعتباری و نقدینگی وجود دارد. آن‌ها همچنین رابطه‌ای منفی بین ریسک نقدینگی و ثبات برای بانک‌های اسلامی پیدا کردند. بر این اساس، آن‌ها نشان دادند که بانک‌های اسلامی در مدیریت ریسک بهتر از بانکداری عادی عمل می‌کنند.

صادق‌زاده، ابونوری، و عرفانی (۲۰۱۹) با هدف کنترل و مدیریت نقدینگی بانک به بررسی رفتار شکاف نقدینگی یک بانک خصوصی بر اساس رویکرد منابع و مصارف وجوه در بازه زمانی

¹ Jean-Loup

² Hassan et al.

۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ پرداختند. آن‌ها در این تحقیق با بهره‌گیری از مدل‌های ناهمسان واریانس شرطی، با توجه به خصوصیات مشاهده‌شده در داده‌ها، به مدل‌سازی و پیش‌بینی شکاف نقدینگی پرداختند. نتایج تحقیق موردنظر نشان‌دهنده آن است که مدل‌های به‌کارگرفته‌شده در رویکرد پارامتریک، از کفایت و کارایی مناسب در مدل‌سازی و پیش‌بینی شکاف نقدینگی برخوردار است. همچنین بر اساس نتایج حاصل از مقایسه مدل‌های مختلف، مدل‌های نامتقارن که نشان‌دهنده عدم تقارن تکانه‌های مثبت و منفی بر نوسانات است و مدل‌هایی که چولگی و کشیدگی را به‌عنوان ویژگی‌های توزیع مقادیر باقیمانده در مدل‌سازی لحاظ می‌کنند، کمترین خطا را در پیش‌بینی تلاطم شکاف نقدینگی در افق‌های زمانی مختلف ارائه می‌دهند.

۳ روش‌شناسی پژوهش و توصیف داده‌ها

نوسان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های بازارهای مالی به‌واسطه موارد استفاده آن در پیش‌بینی متغیرهای مالی، نقشی اساسی در مدیریت پرتفوی، ارزش‌گذاری اوراق بهادار، قوانین حاکم بر بازار، و کنترل و مدیریت ریسک ایفا می‌کند، به‌طوری‌که طی دو دهه اخیر، بسیاری از مطالعات پژوهشگران و خبرگان بازارهای مالی بر روی مدل‌سازی و تخمین نوسان سری‌های زمانی اقتصادی-مالی متمرکز بوده است. با توجه به اهمیت ریسک به‌عنوان معیاری برای انتخاب پرتفوی مناسب توسط سرمایه‌گذاران، مدل‌سازی صحیح واریانس به‌عنوان سنجه‌ای برای پیش‌بینی نوسان ارزش دارایی حائز اهمیت است. از سویی دیگر، بروز بحران‌های مالی و زیان‌های گسترده مؤسسات مالی در کنار رشد فزاینده فعالیت‌های تجاری سبب شده است تا قانون‌گذاران و ارکان نظارتی روش‌هایی را در جهت کمی‌سازی ریسک ارائه کنند. ارزش در معرض ریسک به‌عنوان ابزاری استاندارد، تحلیل‌گران مالی را با توجه به پیچیدگی سبدهای دارایی و تنوع ابزارهای مالی، برای ارزیابی ریسک‌های مالی یاری می‌رساند، به‌طوری‌که می‌توان از آن برای انواع دارایی‌های مالی استفاده کرد.

اگرچه ارزش در معرض ریسک دارای مفهومی ساده و قابل درک است، محاسبه و برآورد آن مسئله‌ای دشوار است. در واقع، یافتن توزیع احتمال بازدهی که در طول زمان ثابت نیست، مشکلاتی را برای برآورد مقادیر بحرانی در سطح احتمال موردنظر و بالطبع برای محاسبه ارزش در معرض ریسک ایجاد می‌کند. در حالت کلی، سه روش عمده برای محاسبه و برآورد ارزش در معرض ریسک وجود دارد که شامل رویکردهای پارامتریک، ناپارامتریک،

و شبه‌پارامتریک^۱ است. در رویکرد پارامتریک، ارزش در معرض ریسک بر اساس فرض‌های مشخص درباره نوع توزیع بازدهی و نیز در مورد پویایی‌های مدل نوسان برآورد می‌شود. مدل‌های نوسان نوع گارچ و مدل ریسک‌سنجی جز این دسته است. در روش ناپارامتریک، هیچ محدودیتی بر توزیع بازدهی‌ها وضع نمی‌شود و ارزش در معرض ریسک بر اساس صدک توزیع تجربی بازدهی‌های تاریخی و یا صدک بازدهی‌های پیش‌بینی‌شده محاسبه می‌شود. روش شبیه‌سازی تاریخی و شبیه‌سازی مونت کارلو جزء این رویکرد است. نهایتاً، در رویکرد شبه‌پارامتریک در مورد پویایی‌های مدل، پیش‌فرض می‌گذارند اما پیش‌فرضی بر توزیع خطا وضع نمی‌شود. روش شبیه‌سازی تاریخی با نوسانات وزنی و روش شبیه‌سازی تاریخی فیلترشده از این نوع است (ادبی، مهرآرا، و محمدی، ۱۳۹۵).

در میان رویکردهای ارائه‌شده، روش‌های مدل‌سازی سری‌های زمانی (رویکرد پارامتریک) که شامل انحراف معیار تاریخی^۲، مدل‌های تلاطم تصادفی^۳، و مدل‌های کلاس آرچ است، بیشترین کاربرد را در مدل‌سازی تلاطم دارند. تمام این مدل‌ها امکان توضیح ویژگی خوشه‌ای بودن تلاطم را دارند، ضمن اینکه برخی از این مدل‌ها عدم‌تقارن تلاطم را نیز در نظر می‌گیرند؛ بنابراین، برای کشف ویژگی‌های دینامیک تلاطم بازده توان بالایی دارند و لذا می‌توانند برای مدل‌سازی تلاطم به کار روند (پون و گرنجر^۴، ۲۰۰۳).

در مطالعه حاضر، به‌منظور پیش‌بینی نوسانات شکاف نقدینگی بانک و با هدف مدیریت ریسک نقدینگی، از مدل‌های خانواده گارچ بر روی هفت توزیع احتمال نرمال، نرمال چوله، تی استیودنت، تی استیودنت چوله، خطای تعمیم‌یافته، خطای تعمیم‌یافته چوله، و بالاخره توزیع جانسون اس-یو برای محاسبه مقادیر نقدینگی در معرض ریسک یک گام به جلو استفاده شده است. توزیع‌های آماری مختلف ویژگی دنباله‌های پهن و چولگی توزیع شکاف نقدینگی را موردتوجه قرار می‌دهد. به‌منظور بررسی دقت نقدینگی در معرض ریسک برآوردشده بر اساس مدل‌های تحقیق، از آماره‌های آزمون بازخورد پوشش غیرشرطی^۵

¹ Quasi-Parametric

² Historical standard Deviation

³ Stochastic Volatility

⁴ Poon & Granger

⁵ Unconditional Coverage Test, LR_{UC}

پوشش شرطی^۱، و آزمون رگرسیون کوانتایل پویا^۲ استفاده شده است. در ادامه با هدف انتخاب بهترین مدل از میان مدل‌های مورد تأیید در آزمون‌های بازخورد، از توابع زیان لویز^۳ و رگرسیون چندک گنزالز-ریورا (۲۰۰۴) استفاده می‌شود. بنا بر آنچه گفته شد، فرضیه‌های اصلی این تحقیق عبارت‌اند از الف- در نظر گرفتن واکنش‌های نامتقارن به تکانه‌ها و به‌کارگیری توزیع‌های غیرنرمال به‌عنوان ویژگی‌های مقادیر باقیمانده، موجب بهبود عملکرد مدل‌های گارچ در پیش‌بینی نقدینگی در معرض ریسک می‌شود، و ب- رویکرد پارامتریک، قابلیت پیش‌بینی نقدینگی در معرض ریسک را دارد.

۱.۳ رویکرد پارامتریک در محاسبه ارزش در معرض ریسک

مفروضات اصلی در این رویکرد که برای اولین بار در برنامه ریسک‌سنجی شرکت جی. جی. مورگان ارائه شد، به این شرح است: الف- بازده سرمایه‌گذاری و عوامل ریسکی از توزیعی خاص تبعیت می‌کند، ب- معمولاً بازده سرمایه‌گذاری به‌لحاظ زمانی مستقل فرض می‌شود، و ج- بین عوامل ریسکی بازار و ارزش دارایی رابطه خطی برقرار است. همان‌طور که در قسمت قبل اشاره شد، برآورد ارزش در معرض ریسک، رابطه (۸)، نیازمند برآورد میانگین و واریانس شرطی است. به‌طور مشخص در این رویکرد، ابتدا میانگین و واریانس شرطی داده‌ها بر اساس معادلات میانگین و واریانس پیش‌بینی می‌شود و با فرض معین بودن نوع توزیع تکانه داده‌ها و نیز صدک آن، ارزش در معرض ریسک محاسبه می‌شود. میانگین سری زمانی از طریق معادله میانگین شرطی مدل‌های آریما به‌دست می‌آید؛ بنابراین، تمرکز اصلی در این رویکرد تعیین نوع توزیع داده‌ها و برآورد واریانس شرطی است. در این مطالعه، هفت توزیع را برای توزیع تکانه داده‌ها در نظر می‌گیریم. بر این اساس، در رویکرد پارامتریک در محاسبه ارزش در معرض ریسک، برآورد واریانس شرطی به‌عنوان سنجه اندازه‌گیری نوسانات حائز اهمیت است.

¹ Conditional Coverage Test, LR_{CC}

² Dynamic Quantile Test, DQ_{CC}

³ Lopez Loss Function

۲.۳ مدل ناهمسانی واریانس شرطی

مدل‌های گارچ که روش مدل‌سازی سری‌های زمانی مبتنی بر تغییر واریانس در طول زمان است، ابتدا توسط انگل^۱ (۱۹۸۲) معرفی و سپس توسط بلسلوف^۲ (۱۹۸۶) و نلسون^۳ (۱۹۹۱) توسعه یافت. پس‌ازآن، مدل‌های گوناگونی بر پایه مدل اولیه انگل (آرچ) توسط محققین مختلف ارائه شد که به‌طوری وسیع در بازارهای مالی و برخی از کالاها در زمینه تحلیل سری‌های زمانی مالی برای مقایسه عملکرد مدل‌های مختلف در پیش‌بینی تلاطم، مورد استفاده قرار گرفت. در این مدل‌ها، از واریانس‌های گذشته و جملات خطا برای توضیح واریانس جاری استفاده می‌شود، به عبارت دیگر، برای پیش‌بینی واریانس‌های آینده از واریانس‌های گذشته و تخمین واریانس‌های گذشته استفاده می‌شود. این گونه مدل‌ها برخلاف مدل‌های قبلی، از انحراف معیار نمونه استفاده نمی‌کنند، بلکه واریانس شرطی بازده را از طریق روش حداکثر درست‌نمایی برآورد می‌کنند.

۳.۳ ارزیابی مدل ارزش در معرض ریسک

مدل‌های به‌کار گرفته‌شده در برآورد ارزش در معرض ریسک، تنها در صورتی سودمند و قابل استفاده است که پیش‌بینی دقیق از میزان ریسک ارائه دهد. با توجه به اینکه هرکدام از این مدل‌ها، اندازه‌گیری متفاوتی از ریسک ارائه می‌دهد، باید دقت ریسک‌های برآوردشده موردآزمون قرار گیرد. در روش پس‌آزمایی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی روش‌های اعتبارسنجی، با به‌کارگیری روش‌های کمی، به تعیین مطابقت پیش‌بینی‌های مدل با مفروضاتی که مدل بر اساس آن‌ها بنا شده است، می‌پردازد. همچنین این روش امکان رتبه‌بندی روش‌های مختلف محاسبه ارزش در معرض ریسک را فراهم می‌کند. در فرایند پس‌آزمایی که از رهیافت پنجره غلتان^۴ استفاده می‌شود، به‌جای آنکه از مدل برای پیش‌بینی ریسک دوره پیش‌رو استفاده شود، ریسک دوره‌های گذشته محاسبه شده و با مقایسه ریسک به‌دست‌آمده از مدل با داده‌های واقعی می‌توان عملکرد مدل را ارزیابی کرد. از این‌رو در مقاله حاضر به‌منظور بررسی دقت مدل‌ها در برآورد ارزش در معرض ریسک، آزمون‌های پوشش غیرشرطی، پوشش شرطی، و رگرسیون کوانتایل پویا مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین در

¹ Engle

² Bollerslev

³ Nelson

⁴ Rolling window

راستای رتبه‌بندی مدل‌های پذیرفته‌شده در آزمون‌های آماری، از توابع زیان لویز و رگرسیون چندک استفاده می‌شود.

با توجه به فضای محدود مقاله، از ارائه مبانی نظری مدل‌های گارچ، توابع توزیع آماری، آماره‌های آزمون بازخورد، و توابع زیان مربوطه صرف‌نظر شده است و پیشنهاد می‌شود برای مطالعه بیشتر در این خصوص به صادق زاده یزدی (۱۳۹۸) مراجعه شود.

۴ نتایج پژوهش

۱.۴ تحلیل تجربی

در مطالعه پیش‌رو، از ارقام ریالی داده‌های روزانه منابع (سپرده‌ها) و مصارف (تسهیلات و مطالبات) بر اساس ترازنامه یک بانک خصوصی در بازه زمانی ۱ مهرماه سال ۱۳۸۹ تا ۳۱ شهریورماه ۱۳۹۸ استفاده شده است. منابع شامل مانده کلیه سپرده‌های قرض‌الحسنه (جاری و پس‌انداز)، سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار (کوتاه‌مدت و بلندمدت)، و همچنین گواهی سپرده^۱ است. مصارف شامل مجموع مانده تسهیلات اعطایی جاری به علاوه مطالبات (تسهیلات غیرجاری) است. بدین ترتیب، سری شکاف نقدینگی از رابطه $LG_t = \text{منابع} - \text{مصارف}$ محاسبه می‌شود که در آن LG_t شکاف نقدینگی بانک است. بازه زمانی مذکور شامل ۲۱۸۹ مشاهده است که به دو قسمت درون نمونه‌ای شامل ۲۰۰۰ مشاهده ابتدایی به‌منظور برآورد نقدینگی در معرض ریسک و قسمت برون نمونه‌ای شامل ۱۸۰ مشاهده باقیمانده برای انجام دادن آزمون بازخورد تقسیم شده است. تجزیه و تحلیل آماری به‌منظور مدل‌سازی با استفاده از نرم‌افزار R صورت گرفته است.

جدول ۱، آماره‌های توصیفی، داده‌های مربوط به شکاف نقدینگی بانک را در دوره موردنظر ارائه می‌دهد. مقدار انحراف معیار، ۱۷,۹۵۳,۳۲۵ میلیون ریال در مقایسه با میانگین، ۳۱,۳۳۱,۴۷۳ میلیون ریال نشان‌دهنده تلاطم بالای شکاف نقدینگی در طول دوره موردبررسی است. چولگی مثبت و کوچک (۰/۵۳۷) بیانگر آن است که دنباله سمت راست توزیع داده‌ها بلند و دنباله سمت چپ کشیده‌تر است. ضریب کشیدگی کوچک‌تر از ارزش نرمال (۳) است و نشان‌دهنده آن است که دنباله داده‌ها نسبت به توزیع نرمال کشیده‌تر است. آماره آزمون جاک-برا^۲ برابر ۱۲۵/۴۳ بوده که بر اساس آن، فرض نرمال بودن توزیع

^۱ Certificate of Deposit, CD

^۲ Jerque-Bra Test

داده‌ها پذیرفته نمی‌شود و این امر بیانگر آن است که توزیع خطاها می‌تواند دارای توزیعی غیر از توزیع نرمال باشد.

جدول ۱

آماره‌های توصیفی شکاف نقدینگی

آماره	مقادیر
تعداد مشاهدات	۲۱۸۰
بیشینه	۸۹,۴۷۱,۳۵۲
کمینه	۵,۳۸۴,۴۸۷
میانه	۲۹,۸۲۷,۳۵۹
مد	۱,۳۵۱,۸۷۱
میانگین	۴۷۳,۳۳۱,۳۱
انحراف معیار	۱۷,۹۵۳,۳۲۵
چولگی	۰/۵۳۷
کشیدگی	۲/۵۳۲
جارك-برا	۱۲۵/۴۳

منبع: محاسبات تحقیق.

جدول ۲، آماره‌آزمون‌های تشخیصی مربوط به سری روزانه شکاف نقدینگی بانک در دوره موردنظر را نشان می‌دهد. یکی از فرض‌های اساسی در مدل‌سازی نوسانات مانایی داده‌های سری زمانی است. به‌منظور بررسی مانایی سری زمانی شکاف نقدینگی از سه آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته^۱، فیلیپس-پرون^۲ و KPSS^۳ استفاده شد. فرضیه صفر در دو آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته و فیلیپس-پرون بیانگر وجود ریشه واحد و نایستایی است، ولی در آزمون KPSS فرض صفر بر اساس آماره آزمون ال‌ام بیانگر عدم وجود ریشه واحد در متغیر موردبررسی است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از هر سه آزمون، سری داده‌های نقدینگی در سطح ایستاست.

^۱ Augmented Dicky-Fuller Test, ADF

^۲ Philips-Peron Test, P-P

^۳ Kwiatkowski-Philips-Schmidt-Shin, KPSS

نتایج حاصل از نمودار همبستگی نگار و آماره Q لیانگ-باکس^۱ با طول وقفه^{۱۲}، حاکی از وجود خودهمبستگی در سری شکاف نقدینگی و رد فرضیه صفر مبتنی بر نوفه سفید بودن آن است که تأییدی درجهت استفاده از مدل‌های آریمای برای الگوسازی است. همچنین، آماره آزمون لیانگ-باکس بر روی مجذور سری شکاف نقدینگی به‌ازای طول وقفه^{۱۲}، بیانگر خودهمبستگی میان مجذور سری و نشانه‌ای از وجود آثار غیرخطی و نیز مؤید ناهمسانی واریانس درجهت به‌کارگیری مدل‌های گارچ در مدل‌سازی سری مذکور است.

به‌منظور انتخاب معادله میانگین شرطی بر اساس متدلوژی باکس-جنکینز^۲، مدل‌های مختلف $ARMA(p, q)$ برای سری داده‌ها برازش شد و بر اساس معیارهای اطلاعاتی آکائیک^۳ و شوارتز-بیزین^۴ و همچنین لگاریتم درست‌نمایی^۵، مشروط به اینکه مقادیر باقیمانده فاقد خودهمبستگی باشد، مدل مناسب انتخاب شد. بر این اساس، بهترین مدل $ARMA(2, 1)$ تشخیص داده شد. مقادیر آماره Q لیانگ-باکس برای وقفه‌های مختلف، حاکی از وجود نداشتن خودهمبستگی میان جملات پسماند و تصریح مناسب مدل میانگین شرطی است. همچنین آماره آزمون لیانگ-باکس بر روی مجذور پسماندهای حاصل از رگرسیون میانگین شرطی، بیانگر وجود خودهمبستگی میان مجذور پسماندهای مدل میانگین شرطی است که تأییدی درجهت وجود آثار آرچ در سری شکاف نقدینگی و استفاده از مدل‌های ناهمسانی واریانس شرطی است.

به‌منظور آگاهی از ثابت یا متغیر بودن واریانس، درجهت استفاده از مدل‌های ناهمسانی واریانس شرطی، از آزمون آرچ انگل (۱۹۸۲) با ملاک آزمون ضریب لاگرانژ^۶ بر روی پسماندهای مدل میانگین شرطی انتخاب‌شده، با فرض صفر وجود نداشتن آثار آرچ استفاده می‌کنیم. نتایج حاکی از وجود آثار آرچ، رد فرضیه صفر، و تأییدی درجهت به‌کارگیری مدل‌های ناهمسان واریانس شرطی است.

¹ Ljung-Box Test, Q_{LB}

² Box- Jenkins Methodology

³ Akaike information criterion, AIC

⁴ Schwartz Bayesian Information Criterion, SBIC

⁵ Log-likelihood, LL

⁶ Lagrange-Multiplier Test, LM

جدول ۲

ویژگی‌های سری زمانی شکاف نقدینگی

مقادیر	آماره
-۳/۶۶۳ [۰/۰۲۷]	دیکی- فولر (ADF)
-۶۲/۸۷۲ [۰/۰۰۹]	فیلیپس- پرون (PP)
۰/۱۰۰۴	KPSS
۲۳/۷۱۸ [۰/۰۰۰]	آماره (۱۲) Q - آزمون Ljung-Box بر روی سری شکاف نقدینگی
۲۲/۶۹۰ [۰/۰۰۰]	آماره (۱۲) Q^2 - آزمون Ljung-Box بر روی مجذور سری شکاف نقدینگی
۲/۰۸۸ [۰/۰۰۰]	آزمون (۱۲) ARCH
۱۸/۳۹۳ [۰/۱۰۴]	آماره (۱۲) Q - آزمون Ljung-Box بر روی سری پسماندهای مدل میانگین شرطی
۴۸/۹ [۰/۰۰۰]	آماره (۱۲) Q^2 - آزمون Ljung-Box بر روی مجذور سری پسماندهای مدل میانگین شرطی

مقادیر داخل کروشه بیانگر تعداد وقفه و مقادیر داخل براکت نشان‌دهنده سطح احتمال است.

به‌منظور بررسی وجود دو رژیم پرنوسان و کم‌نوسان از آزمون نسبت درست‌نمایی هانسن^۱ (۱۹۹۲) استفاده می‌کنیم. نتایج آزمون نسبت درست‌نمایی هانسن، جدول ۳، نشان می‌دهد فرضیه صفر خطی بودن مدل را نمی‌توان رد کرد؛ بنابراین، وجود دو رژیم پرنوسان و کم‌نوسان برای شکاف نقدینگی تأیید نمی‌شود. همچنین بررسی ویژگی حافظه بلندمدت^۲ در سری شکاف نقدینگی با استفاده از آزمون‌های R/S^3 و GPH^4 ، حاکی از وجود نداشتن این خصوصیت در داده‌های موردبررسی است.

¹ Hansen

² Long Memory

³ ReScaled Range, R/S

⁴ Geweke & Porter-Hudak, GPH

جدول ۳

نتایج آزمون هانسن

مقدار احتمال	نسبت درست‌نمایی	شرح
۰/۱۹	۱۰/۰۴۶	مقدار

محاسبات تحقیق.

بنا بر آنچه در قسمت‌های قبل بیان شد و نتایج حاصل از آزمون‌های تشخیصی، در رویکرد پارامتریک ابتدا میانگین و واریانس شرطی شکاف نقدینگی با استفاده از معادلات نوسان خانواده گارچ با لحاظ مدل $ARMA(2, 1)$ به‌عنوان معادله میانگین شرطی با فرض اینکه تکانه سری شکاف نقدینگی دارای توزیع نرمال (N) ، نرمال چوله (sN) ، تی-استیودنت (t) ، تی-استیودنت چوله (st) ، خطای تعمیم‌یافته (GED) ، خطای تعمیم‌یافته چوله $(sGED)$ و توزیع جانسون-اس یو (JSU) است، با استفاده از روش حداکثر درست‌نمایی برآورد و پیش‌بینی می‌شود و سپس نقدینگی در معرض ریسک (LaR) با توجه به نوع توزیع شوک سری داده‌ها با استفاده از روابط مربوطه محاسبه می‌گردد.

۲.۴ نتایج آزمون‌های بازخورد

در این قسمت به‌منظور بررسی کفایت و دقت مدل‌های به‌کار گرفته‌شده در محاسبه نقدینگی در معرض ریسک، از آزمون بازخورد (پس‌آزمایی) استفاده می‌کنیم. انتخاب بهترین مدل در دو مرحله انجام می‌شود؛ در مرحله اول با مقایسه مقدار پیش‌بینی‌شده و مقدار تحقق‌یافته نقدینگی‌ها، کفایت مدل به‌لحاظ آماری بررسی می‌شود و در مرحله دوم با استفاده از تابع زیان، زیان انباشته مدل‌ها با هم مقایسه می‌شود و مدلی که دارای کمترین مقدار زیان باشد، به‌عنوان بهترین مدل انتخاب می‌شود. بدین‌منظور در این بخش، ابتدا با استفاده از آزمون‌های پوشش غیرشرطی کوپیک^۱، پوشش شرطی کریستوفرسن^۲، و آزمون کوانتایل رگرسیون پویای انگل-منگالی^۳ به پس‌آزمایی مدل‌های تحقیق می‌پردازیم. در مرحله بعد با استفاده از توابع زیان لوپز و رگرسیون چندک گنزالز-ریورا مدل‌ها را رتبه‌بندی می‌کنیم.

^۱ Kupiec Unconditional Coverage Test^۲ Christoffersen Conditional Coverage Test^۳ Engle- Manganelli Dynamic Quantile Test

جداول ۴ و ۵، نتایج آزمون‌های مربوط به پس‌آزمایی مدل‌های به کار گرفته شده در برآورد نقدینگی در معرض ریسک در دو سطح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد را نشان می‌دهد. این جداول حاوی مقادیر مربوط به آماره و سطح احتمال آزمون‌های مربوط به پس‌آزمایی است.

جدول ۴

نتایج آزمون بازخورد - در سطح اطمینان ۹۵ درصد

MODEL	LR un	P-value LR un	LR cc	P-value LR cc	DQ cc	P-value DQ cc
NORM	GARCH	۳/۴۳۵۳	۰/۰۶۳۸	۳/۴۶۳۰	۰/۱۷۷۰	۳/۰۸۱۰
	EGARCH	۱/۶۲۷۳	۰/۲۰۲۱	۲/۳۳۱۳	۰/۳۱۱۷	۲/۸۵۳۳
	TGARCH	۲/۱۴۸۹	۰/۱۴۲۷	۲/۱۴۹۰	۰/۳۴۱۵	۱/۹۶۳۲
	APARCH	۲/۱۴۸۹	۰/۱۴۲۷	۲/۱۴۹۰	۰/۳۴۱۵	۲/۰۲۸۷
	CGARCH	۳/۴۳۵۳	۰/۰۶۳۸	۵/۱۹۴۵	۰/۰۷۴۵	۳/۱۶۶۰
	NGARCH	۲/۷۵۰۶	۰/۰۹۷۲	۲/۷۵۷۸	۰/۲۵۱۹	۲/۴۳۱۳
sNORM	GARCH	۲/۱۴۸۹	۰/۱۴۲۷	۲/۱۴۹۰	۰/۳۴۱۵	۲/۰۷۰۹
	EGARCH					
	TGARCH	۱/۶۲۷۳	۰/۲۰۲۱	۱/۶۳۲۹	۰/۴۴۲۰	۱/۴۷۵۴
	APARCH	۲/۱۴۸۹	۰/۱۴۲۷	۲/۱۴۹۰	۰/۳۴۱۵	۲/۳۹۱۱
	CGARCH	۲/۱۴۸۹	۰/۱۴۲۷	۴/۲۱۹۹	۰/۱۲۱۲	۱/۹۶۳۲
	NGARCH	۱/۱۸۲۸	۰/۲۷۶۸	۱/۲۰۶۳	۰/۵۴۷۱	۱/۰۵۴۳
T	GARCH	۰/۵۱۴۹	۰/۴۷۳۰	۰/۶۰۹۹	۰/۷۳۷۲	۰/۶۳۸۴
	EGARCH	۰/۲۸۶۸	۰/۵۹۲۳	۰/۵۲۴۴	۰/۷۶۹۴	۰/۲۴۵۱
	TGARCH	۰/۲۸۶۸	۰/۵۹۲۳	۳/۲۵۳۹	۰/۱۹۶۵	۰/۸۶۵۸
	APARCH	۰/۸۱۲۸	۰/۳۶۷۳	۰/۸۶۶۳	۰/۶۴۸۵	۱/۲۶۲۹
	CGARCH	۲/۱۴۸۹	۰/۱۴۲۷	۴/۲۱۹۹	۰/۱۲۱۲	۲/۰۱۵۲
	NGARCH	۲/۱۴۸۹	۰/۱۴۲۷	۲/۱۴۹۰	۰/۳۴۱۵	۲/۰۱۸۰
sT	GARCH	۰/۸۱۲۸	۰/۳۶۷۳	۰/۸۶۶۳	۰/۶۴۸۵	۰/۸۲۵۳
	EGARCH					
	TGARCH	۰/۰۳۱۳	۰/۸۵۹۷	۳/۴۰۴۲	۰/۱۸۳۳	۰/۴۰۸۸
	APARCH	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۳۷۲۰	۰/۸۳۰۳	۰/۰۰۲۹
	CGARCH	۰/۵۱۴۹	۰/۴۷۳۰	۳/۲۸۹۴	۰/۱۹۳۱	۰/۴۹۷۴
	NGARCH	۱/۱۸۲۸	۰/۲۷۶۸	۱/۲۰۶۳	۰/۵۴۷۱	۱/۲۷۹۱

MODEL	LR un	P-value LR un	LR cc	P-value LR cc	DQ cc	P-value DQ cc
GARCH	۲/۱۴۸۹	۰/۱۴۲۷	۲/۱۴۹۰	۰/۳۴۱۵	۲/۰۲۳۴	۰/۹۵۸۵
EGARCH						
TGARCH	۱/۱۸۲۸	۰/۲۷۶۸	۳/۵۹۲۲	۰/۱۶۵۹	۱/۲۵۴۵	۰/۹۸۹۶
APARCH	۰/۸۱۲۸	۰/۳۶۷۳	۰/۸۶۶۳	۰/۶۴۸۵	۰/۸۴۶۴	۰/۹۹۶۹
CGARCH	۲/۷۵۰۶	۰/۰۹۷۲	۴/۶۶۲۴	۰/۰۹۷۲	۲/۳۷۶۲	۰/۹۳۶۱
NGARCH	۲/۷۵۰۶	۰/۰۹۷۲	۲/۷۵۷۸	۰/۲۵۱۹	۲/۴۷۵۳	۰/۹۲۸۹
GARCH	۲/۷۵۰۶	۰/۰۹۷۲	۴/۶۶۲۴	۰/۰۹۷۲	۲/۴۸۳۴	۰/۹۲۸۳
EGARCH						
TGARCH	۱/۱۸۲۸	۰/۲۷۶۸	۳/۵۹۲۲	۰/۱۶۵۹	۱/۶۰۵۰	۰/۹۷۸۴
APARCH	۱/۱۸۲۸	۰/۲۷۶۸	۳/۵۹۲۲	۰/۱۶۵۹	۱/۳۳۰۸	۰/۹۸۷۶
CGARCH	۴/۲۰۶۴	۰/۰۴۰۳	۵/۸۱۹۵	۰/۰۵۴۵	۳/۷۵۲۴	۰/۸۰۷۸
NGARCH	۲/۱۴۸۹	۰/۱۴۲۷	۲/۱۴۹۰	۰/۳۴۱۵	۱/۸۷۰۲	۰/۹۶۶۷
GARCH	۰/۵۱۴۹	۰/۴۷۳۰	۰/۶۰۹۹	۰/۷۳۷۲	۰/۴۴۵۲	۰/۹۹۹۶
EGARCH						
TGARCH	۰/۰۳۱۳	۰/۸۵۹۷	۳/۲۹۹۵	۰/۱۹۲۱	۰/۴۲۲۱	۰/۹۹۹۷
APARCH	۰/۸۱۲۸	۰/۳۶۷۳	۳/۴۰۱۴	۰/۱۸۲۶	۱/۲۲۵۶	۰/۹۹۰۳
CGARCH	۰/۸۱۲۸	۰/۳۶۷۳	۳/۴۰۱۴	۰/۱۸۲۶	۰/۷۵۳۰	۰/۹۹۷۹
NGARCH	۰/۸۱۲۸	۰/۳۶۷۳	۰/۸۶۶۳	۰/۶۴۸۵	۱/۰۴۴۳	۰/۹۹۴۱

منبع: محاسبات تحقیق. ردیف‌هایی که با رنگ خاکستری نشان داده شده‌است به دلیل همگرانشدن مدل خروجی نداشته است.

جدول ۵: نتایج آزمون بازخورد - در سطح اطمینان ۹۹ درصد

MODEL	LR un	P-value LR un	LR cc	P-value LR cc	DQ cc	P-value DQ cc
GARCH	۱/۳۲۸۵	۰/۲۴۹۱	۱/۶۲۷۵	۰/۴۴۳۲	۱/۵۹۰۸	۰/۹۷۹۰
EGARCH	۷/۴۳۴۱	۰/۰۰۶۴	۸/۳۶۸۵	۰/۰۱۵۲	۱۱/۳۵۲۲	۰/۱۲۴۰
TGARCH	۰/۲۰۲۴	۰/۶۵۲۸	۰/۳۹۳۲	۰/۸۲۱۵	۰/۷۷۸۶	۰/۹۹۷۷
APARCH	۰/۲۰۲۴	۰/۶۵۲۸	۰/۳۹۳۲	۰/۸۲۱۵	۰/۷۶۶۶	۰/۹۹۷۸
CGARCH	۰/۶۵۲۶	۰/۴۱۹۲	۰/۸۹۴۴	۰/۶۳۹۴	۱/۹۰۵۳	۰/۹۶۴۹
NGARCH	۱/۳۲۸۵	۰/۲۴۹۱	۱/۶۲۷۵	۰/۴۴۳۲	۲/۵۱۳۰	۰/۹۲۶۱

MODEL		LR un	P-value LR un	LR cc	P-value LR cc	DQ cc	P-value DQ cc
sNORM	GARCH	۰/۶۵۲۶	۰/۴۱۹۲	۰/۸۹۴۴	۰/۶۳۹۴	۰/۸۱۳۴	۰/۹۹۷۳
	EGARCH						
	TGARCH	۰/۶۵۲۶	۰/۴۱۹۲	۰/۸۹۴۴	۰/۶۳۹۴	۱/۲۶۹۴	۰/۹۸۹۲
	APARCH	۰/۰۰۵۹	۰/۹۳۸۹	۰/۱۵۱۷	۰/۹۲۶۹	۰/۵۶۴۳	۰/۹۹۹۲
	CGARCH	۱/۳۲۸۵	۰/۲۴۹۱	۱/۶۲۷۵	۰/۴۴۳۲	۲/۳۲۵۷	۰/۹۳۹۶
	NGARCH	۱/۳۲۸۵	۱/۳۲۸۵	۱/۶۲۷۵	۰/۴۴۳۲	۲/۵۱۶۷	۰/۹۲۵۸
T	GARCH	۲/۷۱۱۵	۰/۰۹۹۶	۲/۷۳۸۲	۰/۲۵۴۳	۲/۳۸۰۹	۰/۹۳۵۸
	EGARCH	۰/۵۳۰۰	۰/۴۶۶۶	۱۴/۴۰۰۴	۰/۰۰۰۷	۰/۵۸۳۲	۰/۹۹۹۱
	TGARCH	۰/۰۹۹۰	۰/۷۵۳۰	۰/۲۰۶۰	۰/۹۰۲۱	۰/۱۳۴۵	۱/۰۰۰۰
	APARCH	۰/۰۹۹۰	۰/۷۵۳۰	۰/۲۰۶۰	۰/۹۰۲۱	۱/۴۵۲۹	۰/۹۸۳۹
	CGARCH	۲/۷۱۱۵	۰/۰۹۹۶	۲/۷۳۸۲	۰/۲۵۴۳	۲/۴۲۳۴	۰/۹۳۲۸
	NGARCH	۰/۵۳۰۰	۰/۴۶۶۶	۰/۶۰۴۱	۰/۷۳۹۳	۰/۸۹۳۱	۰/۹۹۶۴
sT	GARCH	۲/۷۱۱۵	۰/۰۹۹۶	۲/۷۳۸۲	۰/۲۵۴۳	۲/۳۷۱۰	۰/۹۳۶۵
	EGARCH						
	TGARCH	۰/۰۰۵۹	۰/۹۳۸۹	۰/۱۵۱۷	۰/۹۲۶۹	۰/۴۴۶۰	۰/۹۹۹۶
	APARCH	۰/۰۹۹۰	۰/۷۵۳۰	۰/۲۰۶۰	۰/۹۰۲۱	۱/۴۶۹۷	۰/۹۸۳۳
	CGARCH	۱/۳۶۶۶	۰/۲۴۲۴	۱/۴۱۴۰	۰/۴۹۳۱	۱/۱۵۰۰	۰/۹۹۲۰
	NGARCH	۰/۰۹۹۰	۰/۷۵۳۰	۰/۲۰۶۰	۰/۹۰۲۱	۰/۱۴۷۸	۱/۰۰۰۰
GED	GARCH	۰/۵۳۰۰	۰/۴۶۶۶	۰/۶۰۴۱	۰/۷۳۹۳	۰/۴۷۷۶	۰/۹۹۹۵
	EGARCH						
	TGARCH	۰/۰۰۵۹	۰/۹۳۸۹	۰/۱۵۱۷	۰/۹۲۶۹	۰/۰۴۵۱	۱/۰۰۰۰
	APARCH	۰/۰۰۵۹	۰/۹۳۸۹	۰/۱۵۱۷	۰/۹۲۶۹	۰/۵۸۶۸	۰/۹۹۹۱
	CGARCH	۱/۳۶۶۶	۰/۲۴۲۴	۱/۴۱۴۰	۰/۴۹۳۱	۱/۱۴۷۷	۰/۹۹۲۱
	NGARCH	۰/۰۹۹۰	۰/۷۵۳۰	۰/۲۰۶۰	۰/۹۰۲۱	۰/۱۵۲۲	۱/۰۰۰۰
sGED	GARCH	۰/۵۳۰۰	۰/۴۶۶۶	۰/۶۰۴۱	۰/۷۳۹۳	۰/۴۹۸۶	۰/۹۹۹۵
	EGARCH						
	TGARCH	۰/۰۰۵۹	۰/۹۳۸۹	۰/۱۵۱۷	۰/۹۲۶۹	۰/۴۶۳۶	۰/۹۹۹۶
	APARCH	۰/۰۹۹۰	۰/۷۵۳۰	۰/۲۰۶۰	۰/۹۰۲۱	۱/۵۱۱۰	۰/۹۸۱۹
	CGARCH	۱/۳۶۶۶	۰/۲۴۲۴	۱/۴۱۴۰	۰/۴۹۳۱	۱/۱۴۷۵	۰/۹۹۲۱
	NGARCH	۰/۰۰۵۹	۰/۹۳۸۹	۰/۱۵۱۷	۰/۹۲۶۹	۰/۰۲۷۸	۱/۰۰۰۰

MODEL	LR _{un}	P-value LR _{un}	LR _{cc}	P-value LR _{cc}	DQ _{cc}	P-value DQ _{cc}
GARCH	۲/۷۱۱۵	۰/۰۹۹۶	۲/۷۳۸۲	۰/۲۵۴۳	۲/۳۷۳۵	۰/۹۳۶۳
EGARCH						
JSU						
TGARCH	۰/۰۰۵۹	۰/۹۳۸۹	۰/۱۵۱۷	۰/۹۲۶۹	۰/۴۵۸۱	۰/۹۹۹۶
APARCH	۰/۰۹۹۰	۰/۷۵۳۰	۰/۲۰۶۰	۰/۹۰۲۱	۱/۵۶۰۸	۰/۹۸۰۱
CGARCH	۱/۳۶۶۶	۰/۲۴۲۴	۱/۴۱۴۰	۰/۴۹۳۱	۱/۱۴۸۷	۰/۹۹۲۱
NGARCH	۰/۰۹۹۰	۰/۷۵۳۰	۰/۲۰۶۰	۰/۹۰۲۱	۰/۱۴۴۰	۱/۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق. ردیف‌هایی که با رنگ خاکستری نشان داده شده‌است به دلیل همگرانشدن مدل خروجی نداشته است.

مقادیر مربوط به پس‌آزمایی مدل GARCH-M بر حسب تمام توزیع‌ها و مدل EGARCH برای تمام توزیع‌ها به‌غیر از نرمال و تی-استیودنت، به دلیل مشکل همگرایی توسط نرم‌افزار برآورد نشده است. با توجه به نتایج ستون سوم و چهارم جدول ۴ مشاهده می‌شود که بر مبنای آزمون پوشش غیرشرطی کوپیک در سطح معناداری ۵ درصد، فرضیه صفر برابری خطاهای انتظاری و واقعی، برای تمام مدل‌های تحقیق و توزیع‌های منتخب به‌غیر از مدل CGARCH با فرض توزیع sGED تأیید می‌شود. به عبارتی، عملکرد مدل‌های تحقیق در برآورد نقدینگی در معرض ریسک روزانه، نقدینگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد قابل‌انکاست. با افزایش سطح اطمینان به ۹۹ درصد، نتایج مشابه سطح اطمینان ۹۵ درصد است، با این تفاوت که دقت نقدینگی در معرض ریسک محاسبه‌شده برای کلیه مدل‌های نوسان به‌جز مدل EGARCH با توزیع نرمال تأیید می‌شود.

نتایج آماره آزمون پوشش شرطی کریستفرسن در ستون‌های ۵ و ۶ جداول ۴ و ۵ ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، فرضیه صفر مبنی بر برابری خطاهای انتظاری با خطاهای واقعی و استقلال سریالی خطاها در سطح معناداری ۵ درصد برای کلیه مدل‌های تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد. با تغییر سطح اطمینان به ۹۹ درصد، دقت نقدینگی در معرض ریسک محاسبه‌شده برای کلیه مدل‌ها به‌غیر از مدل EGARCH با توزیع‌های N و T تأیید می‌شود.

نتایج آماره‌های آزمون چندک پویا و مقادیر احتمال آن در ستون‌های ۷ و ۸ جداول ۴ و ۵ ارائه شده است. مشاهده می‌شود که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه صفر استقلال شکست‌های رخ داده برای آزمون فرض کارایی شرطی برای کلیه مدل‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفته است. با افزایش سطح اطمینان به ۹۹ درصد نیز عملکرد کلیه مدل‌های تلاطم

شرطی قابل‌انکاست؛ به عبارتی، این آزمون فرض صفر کفایت مدل را برای این مدل‌ها رد نمی‌کند.

در جدول ۶ نتایج مربوط به رتبه‌بندی مدل‌های تحقیق در محاسبه نقدینگی در معرض ریسک با هدف انتخاب بهترین مدل در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد درج شده است. این جدول مقادیر مربوط به مقدار زیان هر مدل و رتبه‌بندی مدل‌های به کار گرفته شده بر اساس توابع زیان لویز و گنزالز-ریورا را نمایش می‌دهد. در تابع زیان لویز که تخطی‌ها را با توان دو جریمه می‌کند، به مدلی که زیان‌های دنباله آن بالاتر باشد، مقدار بیشتر را اختصاص می‌دهد؛ لذا هر مدلی که میانگین زیان‌های دنباله آن کمتر باشد، عملکرد بهتری دارد. در تابع زیان گنزالز-ریورا، به عنوان تابع زیان متقارن که از رگرسیون چندک به منظور انتخاب بهترین مدل نقدینگی در معرض ریسک استفاده می‌کند، تخطی‌ها را به صورت وزنی جریمه می‌کند. شایان ذکر است؛ به جز مدل GARCH-M بر حسب تمام توزیع‌ها و مدل EGARCH با فرض توزیع‌های sN، sT، GED، sGED و JSU که همگرا نشدند، سایر مدل‌های تحقیق که کفایت آن‌ها در پس‌آزمایی مورد تأیید قرار گرفته است، در رتبه‌بندی لحاظ شده‌اند.

جدول ۶

نتایج مربوط به رتبه‌بندی مدل‌ها با توابع زیان لویز و گنزالز-ریورا - در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد

		C=۰/۹۵				C=۰/۹۹			
NORM	GARCH	۰/۲۹۴	۲۴/۲۳۶	۳۶	۳۰	۰/۰۳۰	۷/۳۶۶	۳۲	۱۷
	EGARCH	۰/۱۴۴	۶۸/۸۹۲	۲۱	۳۷	۰/۱۹۸	۱۶/۷۹۰	۳۷	۳۷
	TGARCH	۰/۱۸۸	۲۴/۱۶۴	۲۵	۱۹	۰/۰۰۴	۷/۲۹۸	۱۶	۸
	APARCH	۰/۱۸۸	۲۴/۵۲۵	۲۹	۳۳	۰/۰۰۴	۷/۴۸۶	۱۷	۲۸
	CGARCH	۰/۲۹۴	۲۴/۱۴۶	۳۵	۱۶	۰/۰۱۴	۷/۲۰۳	۲۲	۲
	NGARCH	۰/۲۳۸	۲۴/۱۸۰	۳۲	۲۰	۰/۰۳۰	۷/۲۳۳	۳۰	۳
sNORM	GARCH	۰/۱۸۸	۲۴/۲۶۳	۲۶	۲۶	۰/۰۱۴	۷/۳۵۸	۲۴	۱۴
	EGARCH								
	TGARCH	۰/۱۴۴	۲۴/۰۸۵	۲۰	۷	۰/۰۱۴	۷/۲۴۸	۲۳	۴
	APARCH	۰/۱۸۸	۲۴/۳۲۸	۲۸	۲۸	۰/۰۰۰	۷/۴۵۹	۷	۲۶
	CGARCH	۰/۱۸۸	۲۳/۹۶۷	۲۲	۳	۰/۰۳۰	۷/۱۵۱	۲۹	۱
	NGARCH	۰/۱۰۶	۲۴/۱۰۰	۱۵	۱۱	۰/۰۳۰	۷/۲۷۲	۳۱	۵

MODEL		C=۰/۹۵				C=۰/۹۹			
T	GARCH	۰/۰۴۷	۲۴/۲۲۰	۸	۲۴	۰/۰۴۲	۷/۵۷۶	۳۵	۳۱
	EGARCH	۰/۰۲۶	۲۴/۷۷۷	۵	۳۶	۰/۰۱۰	۸/۳۷۶	۲۱	۳۶
	TGARCH	۰/۰۲۶	۲۴/۰۲۱	۴	۴	۰/۰۰۲	۷/۳۶۲	۱۰	۱۵
	APARCH	۰/۰۷۴	۲۴/۰۹۱	۱۰	۸	۰/۰۰۲	۷/۴۶۹	۱۵	۲۷
	CGARCH	۰/۱۸۸	۲۴/۰۵۸	۲۳	۶	۰/۰۴۲	۷/۷۷۷	۳۶	۳۵
	NGARCH	۰/۱۸۸	۲۴/۱۶۲	۲۴	۱۸	۰/۰۱۰	۷/۶۰۰	۲۰	۳۳
sT	GARCH	۰/۰۷۴	۲۴/۱۱۰	۱۱	۱۲	۰/۰۴۲	۷/۴۲۰	۳۴	۲۳
	EGARCH								
	TGARCH	۰/۰۰۳	۲۴/۰۴۸	۲	۵	۰/۰۰۰	۷/۳۲۴	۴	۱۲
	APARCH	۰/۰۰۰	۲۴/۱۵۸	۱	۱۷	۰/۰۰۲	۷/۳۸۰	۱۱	۲۰
	CGARCH	۰/۰۴۷	۲۳/۹۵۵	۶	۲	۰/۰۲۳	۷/۶۵۰	۲۸	۳۴
	NGARCH	۰/۱۰۶	۲۴/۴۶۴	۱۹	۳۲	۰/۰۰۲	۷/۴۵۰	۱۳	۲۴
GED	sGARCH	۰/۱۸۸	۲۴/۳۲۱	۲۷	۲۷	۰/۰۱۰	۷/۳۷۱	۱۹	۱۸
	EGARCH								
	TGARCH	۰/۱۰۶	۲۴/۲۱۰	۱۷	۲۲	۰/۰۰۰	۷/۳۰۹	۳	۱۰
	APARCH	۰/۰۷۴	۲۴/۳۳۱	۱۳	۲۹	۰/۰۰۰	۷/۳۷۴	۵	۱۹
	CGARCH	۰/۲۳۸	۲۴/۱۳۵	۳۱	۱۵	۰/۰۲۳	۷/۵۲۶	۲۶	۳۰
	NGARCH	۰/۲۳۸	۲۴/۴۶۰	۳۴	۳۱	۰/۰۰۲	۷/۴۵۶	۱۴	۲۵
sGED	sGARCH	۰/۲۳۸	۲۴/۲۲۰	۳۳	۲۳	۰/۰۱۰	۷/۳۲۱	۱۸	۱۱
	EGARCH								
	TGARCH	۰/۱۰۶	۲۴/۲۰۷	۱۶	۲۱	۰/۰۰۰	۷/۲۸۸	۱	۶
	APARCH	۰/۱۰۶	۲۴/۲۳۱	۱۸	۲۵	۰/۰۰۲	۷/۳۴۲	۹	۱۳
	CGARCH	۰/۳۵۶	۲۴/۱۱۸	۳۷	۱۴	۰/۰۲۳	۷/۵۱۳	۲۵	۲۹
	NGARCH	۰/۱۸۸	۲۴/۵۴۰	۳۰	۳۴	۰/۰۰۰	۷/۴۰۲	۶	۲۱
JSU	sGARCH	۰/۰۴۷	۲۴/۰۹۸	۷	۱۰	۰/۰۴۲	۷/۳۶۶	۳۳	۱۶
	EGARCH								
	TGARCH	۰/۰۰۳	۲۴/۰۹۷	۳	۹	۰/۰۰۰	۷/۳۰۱	۲	۹
	APARCH	۰/۰۷۴	۲۴/۱۱۵	۱۲	۱۳	۰/۰۰۲	۷/۲۸۹	۸	۷
	CGARCH	۰/۰۷۴	۲۳/۹۴۱	۹	۱	۰/۰۲۳	۷/۵۷۹	۲۷	۳۲
	NGARCH	۰/۰۷۴	۲۴/۵۷۹	۱۴	۳۵	۰/۰۰۲	۷/۴۱۳	۱۲	۲۲

ردیف‌هایی که با رنگ خاکستری نشان داده شده‌است به دلیل همگرانشدن مدل خروجی نداشته است.

بر اساس تابع زیان لویز در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مدل APGARCH-sT بهترین مدل و بعداز آن به ترتیب مدل‌های TGARCH-sT و TGARCH-JSU رتبه‌بندی می‌شوند. با افزایش سطح اطمینان به ۹۹ درصد، مدل TGARCH-sGED به عنوان بهترین مدل شناخته می‌شود و مدل‌های TGARCH-JSU و TGARCH-GED نیز در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. همچنین بر اساس تابع زیان گنزالز-ریورا در سطح معناداری ۵ درصد،

مدل CGARCH با فرض توابع توزیع JSU، sT و sN برای تکانه نقدینگی، به ترتیب حائز رتبه اول تا سوم در مدل سازی ریسک نقدینگی می‌شوند. با تغییر سطح معناداری به ۱ درصد با لحاظ تابع زیان گنزالز-ریورا، مدل CGARCH- sN بهترین مدل و بعداز آن به ترتیب مدل‌های CGARCH- sT و NGARCH- N رتبه‌بندی می‌شوند.

۵ نتیجه‌گیری و بحث

ریسک نقدینگی به عنوان یکی از مهم‌ترین انواع ریسک‌های مالی، به نداشتن توانایی نهاد مالی در پرداخت بدهی‌های سررسید شده و یا تأمین وجوه برای افزایش دارایی‌ها اطلاق می‌شود. نبود هماهنگی در سررسید پرداخت‌ها و دریافت‌ها، احتمال پرداخت نشدن‌های مؤسسه مالی را در سررسیدهای مقرر افزایش می‌دهد و بین تسهیلات و سپرده‌ها شکاف زمانی به وجود می‌آورد، به طوری که مؤسسه مالی را در تهیه وجوه مورد نیاز در کوتاه مدت و با هزینه‌ای معقول با مشکل روبه‌رو می‌کند.

بنابراین در تحقیق حاضر به منظور شناسایی رفتار شکاف نقدینگی بانک و با هدف مدیریت و کنترل ریسک نقدینگی، نسبت به مدل سازی و برآورد نقدینگی در معرض ریسک (LaR) با استفاده از مدل‌های واریانس ناهمسان شرطی تعمیم یافته با توجه به خصوصیات مشاهده شده در داده‌ها همچون غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها، ناهمسانی واریانس، نوسانات خوشه‌ای، دنباله‌های پهن، و وجود چولگی اقدام شد. در این مسیر عملکرد مدل‌های مختلف خانواده گارچ، ۸ مدل، با لحاظ کردن برخی از خصوصیات مشاهده شده در رفتار سری با فرض توزیع‌های مختلف آماری برای جزء خطا، مورد مقایسه قرار گرفت. استفاده از توزیع‌های غیرنرمال برای اجزاء اخلاط با توجه به مشاهده چولگی و کشیدگی در سری شکاف نقدینگی، موجب بهبود مدل‌بندی شد. بررسی ویژگی حافظه بلندمدت با استفاده از آزمون‌های R/S و GPH تأیید نشد، همچنین آزمون نسبت درست‌نمایی هانسن حاکی از نبود دو رژیم پرنوسان و کم‌نوسان در داده‌های شکاف نقدینگی است.

نتایج آزمون‌های مربوط به پس‌آزمایی مدل‌های به کار گرفته شده در برآورد LaR در دو سطح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد بیانگر رد نشدن مدل‌های خانواده گارچ با فرض توزیع‌های منتخب است که می‌تواند بیانگر عملکرد قوی رویکرد پارامتریک در مدل سازی و پیش‌بینی زبان‌های حاصل از تلاطم نقدینگی باشد. این نتیجه در تحقیقات گذشته نیز با طیفی محدود از مدل‌های گارچ، همچنین در نظر گرفتن توزیع نرمال و توزیع‌هایی که صرفاً کشیدگی مازاد را در مدل سازی لحاظ می‌کنند، مورد تأیید قرار گرفته است. مقایسه مدل‌های مختلف در تخمین LaR نشان می‌دهد، با توجه به سطح معناداری متفاوت، مدل‌های مختلف عملکرد

متفاوتی را بروز می‌دهد که این موضوع در تحقیقات گذشته همچون کیم و یارلاگادا^۱ (۲۰۱۳)، بنده (۱۳۹۱) و اسماعیل‌زاده و جوانمردی (۱۳۹۶) نیز تأیید شده است.

نتایج مربوط به رتبه‌بندی مدل‌های تحقیق در محاسبه نقدینگی در معرض ریسک با هدف انتخاب بهترین مدل حاکی از آن است که بر اساس تابع زیان لویز در سطوح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد، به ترتیب مدل‌های APGARCH-sT و TGARCH-sGED به عنوان بهترین مدل انتخاب شدند. همچنین بر اساس تابع زیان گنزالز-ریورا در سطوح معناداری ۵ و ۱ درصد، مدل CGARCH با فرض توزیع جانسون-اس یو و نرمال چوله، حائز رتبه‌های برتر شدند.

نکته قابل تأمل در رتبه‌بندی انجام‌شده بر اساس آزمون‌های بازخورد و توابع زیان معرفی‌شده این است که تمام مدل‌های منتخب از نوع مدل‌های گارچ نامتقارن است که می‌بین آثار نامتقارن تکانه‌های مثبت و منفی در تلاطم شرطی است. همچنین، مدل‌هایی که چولگی و کشیدگی مازاد را به عنوان ویژگی‌های مقادیر باقیمانده لحاظ می‌کنند، عملکرد بهتری را در مدل‌سازی ریسک از خود نشان می‌دهند.

بنا به توصیه نهادهای قانون‌گذار و نظارتی نظام بانکی، به منظور ارزیابی جامع و سنجش ریسک نقدینگی، بانک باید دامنه‌ای از ابزارهای اندازه‌گیری را متناسب با نیازهای خود به کار گیرد. از این رو، نظام بانکی کشور به منظور کنترل و مدیریت ریسک نقدینگی و با هدف حفظ سلامت و پایداری نظام بانکی، می‌تواند مجموعه‌ای از روش‌های اندازه‌گیری ریسک نقدینگی در بانک را به کار گیرد همانند تعیین منابع و مصارف نقدینگی و محاسبه خالص وضعیت نقدینگی، محاسبه نسبت‌های ترازنامه و مقایسه با نسبت‌های متوسط صنعت، شاخص نقدینگی، محاسبه شکاف تأمین مالی و تخمین نیازهای تأمین مالی، اندازه‌گیری ارزش فعلی خالص ترازنامه بانک، معیارهای اندازه‌گیری ریسک همانند شاخص‌های پراکندگی آماری، دیرش، ارزش در معرض ریسک، تجزیه و تحلیل سناریو، آزمون استرس، و یا ترکیبی از این روش‌ها. استفاده از یافته‌های تجربی این تحقیق، با توجه به مدل‌های به کار گرفته‌شده در آن، برای پیش‌بینی حجم تقاضا برای وجوه و تأمین مقادیر کافی وجوه برای پاسخ‌گویی به این تقاضا و همچنین اندازه‌گیری ریسک نقدینگی بانک‌ها به منظور پوشش سرمایه پیشنهاد می‌شود.

¹ Kim & Yarlagadda

منابع و مأخذ

- ادبی فیروزجایی، باقر؛ مهرآرا، محسن و محمدی، شاپور (۱۳۹۵)، برآورد و ارزیابی ارزش در معرض ریسک بورس اوراق بهادار تهران بر مبنای روش شبیه سازی پنجره، فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، ۶ (۲۳)، ۳۵-۷۳.
- احمدیان، اعظم و کیانوند، مهران (۱۳۹۴). «تحلیل نقش بانک مرکزی در کاهش احتمال رخداد ریسک نقدینگی در شبکه بانکی کشور»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۵ (۵۹)، ۵۷-۹۴.
- اسماعیل‌زاده، علی و جوانمردی، حلیمه (۱۳۹۶). «طراحی الگویی مناسب مدیریت نقدینگی و پیش‌بینی ریسک آن در بانک صادرات»، فصلنامه اقتصاد مالی، ۳۹ (۱۱)، ۱۷۱-۱۹۱.
- بنده، محسن (۱۳۹۱). ارزیابی و تبیین مدل پیش‌بینی ریسک نقدینگی بانک با استفاده از مدل نقدینگی در معرض خطر مطالعه موردی بانک کشاورزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه مدیریت مالی. دانشکده مدیریت و حسابداری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- پدرام، مهدی، شیرین بخش، شمساله و زواریان، زهرا (۱۳۸۷). پیش‌بینی جریان نقدینگی بانک به منظور تعیین شکاف نقدینگی (یکی از بانک‌های خصوصی)، مطالعات مالی، ۲ (۱)، ۷-۴۴.
- پورزندی، محمدابراهیم؛ عمرانی، میثم؛ و کاوند، مجتبی (۱۳۹۱). «طراحی مدل اندازه‌گیری ریسک نقدینگی در نظام بانکداری بدون ربا (مطالعه موردی: بانک ملت)»، جستارهای اقتصادی ایران، ۱۸ (۹)، ۱۶۳-۱۳۵.
- پورشرافتان جهرمی، علی (۱۳۹۳). ریسک نقدینگی در سیستم بانکداری با استفاده از کنترل بهینه تصادفی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه ریاضی، دانشکده علوم ریاضی، دانشگاه یزد.
- دیواندری، ع.؛ لوکس، ک.؛ و موسوی، س. ر. (۱۳۸۳). «طراحی مدل پیش‌بینی در مدیریت نقدینگی نهادهای مالی در چهارچوب نظام بانکداری بدون ربا با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی»، پیام مدیریت، ۱۱ و ۱۲ (۴)، ۲۳-۵۸.
- درگرگوریان کنارکی، سیونه (۱۳۸۳). طراحی مدل اندازه‌گیری ریسک نقدینگی برای نظام بانکداری خصوصی ایران (مورد بانک سامان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه مدیریت مالی. دانشکده علوم اداری. دانشگاه شهید بهشتی.
- رستمیان، فروغ و حاجی بابائی، فاطمه (۱۳۸۸). «اندازه‌گیری ریسک نقدینگی بانک با استفاده از مدل ارزش در معرض ریسک (مطالعه موردی: بانک سامان)»، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱ (۳)، ۱۷۵-۱۹۸.
- صادق‌زاده یزدی، علی (۱۳۹۸). مدل‌سازی ریسک نقدینگی بانک رفاه کارگران و برآورد سرریز تلاطم میان ریسک نقدینگی، نرخ ارز، قیمت طلا، و شاخص بورس اوراق بهادار ایران، رساله دکتری. گروه اقتصاد. دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری. دانشگاه سمنان.
- عرب مازار یزدی، محمد؛ باغومیان، رافیک؛ و کاکه خانی، فرزانه (۱۳۹۲). «بررسی رابطه میان ترکیب دارایی-بدهی و ریسک نقدینگی بانک‌ها در ایران»، دانش حسابرسی، ۵۲ (۱۳)، ۱-۴۲.

- کردلویی، حمیدرضا؛ نوری دوآبی، پیام؛ و شمسیان، اسماعیل (۱۳۹۵). ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی در بانک‌ها. تهران: ترمه.
- صادقی، محسن؛ سروش، ابوذر؛ و فرهانیان، محمدجواد (۱۳۸۹). «بررسی معیارهای نوسان‌پذیری، ریسک مطلوب، و ریسک نامطلوب در مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران»، *تحقیقات مالی*، ۱۲ (۲۹)، ۷۸-۵۹.
- فلاح شمس، میرفیض؛ حسن‌زاده، علی؛ پورزندی، محمدابراهیم؛ نقشینه، نادر؛ و کردلویی، حمیدرضا (۱۳۹۴). مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌های بانکی. تهران: گپ.
- عبده تبریزی، حسین و رادپور، میثم (۱۳۸۸). اندازه‌گیری و مدیریت ریسک بازار. تهران: آگاه.
- گروه مطالعات و مدیریت ریسک بانک اقتصاد نوین (۱۳۸۷). مدیریت دارایی-بدهی و ریسک نقدینگی در مؤسسات مالی. تهران: فراسخن.
- Basel Committee on banking Supervision, (2008), "Principles for Sound Liquidity Risk Management and Supervision," *Switzerland: Bank for International Settlement*, Vol.44.
- Berkowitz, J. & O'Brien, J. (2002). "How Accurate Are Value-at-Risk Models at Commercial Banks?" *The Journal of Finance*, (57) 3, 1093-1111.
- Bollerslev, T. (1986). "Generalized Autoregressive Conditional Heteroskedasticity." *Journal of Econometrics*, (31) 3, 307-327.
- Chernozhukov, V. & Umantsev, L. (2001). "Conditional Value-at-Risk: Aspects of Modeling and Estimation," *Empirical Economics*, (26) 1, 271-292.
- Dowd, K. (2002). *Measuring Market Risk*. The Atrium. John Wiley & Sons Ltd.
- Engle, R.F. (1982). "Autoregression Conditional Heteroskedasticity with Estimates of the Variance of the UK Inflation." *Econometrica*, (50) 4, 987-1007.
- Engle, R.F. (1982). Autoregression Conditional Heteroskedasticity with Estimates of the Variance of the UK Inflation. *Econometrica*, (50) 4, 987-1007.
- Freixas, X., Martin, A. & Skeie, D. (2011). "Bank Liquidity, Interbank Markets, and Monetary Policy." *The Review of Financial Studies*, (24) 8, 2656-2692.
- Hassan, M. K., Khan, A. & Paltrinieri, A. (2019). "Liquidity Risk, Credit Risk and Stability in Islamic and Conventional Banks." *Research in International Business and Finance*. (48) C. 17-31.

- Ismal, R. (2010). "Assessment of Liquidity Management in Islamic Banking Industry." *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, (3) 2, 147-267.
- Jean-Loup, S. (2017). "Measuring Heterogeneity in Bank Liquidity Risk: Who Are the Winners and Losers?" *The Quarterly Review of Economics and Finance*, (66) 2, 302-313.
- Kim, Y. H., Yarlagadda. P. (2013). Measurement Method for Bank Liquidity Risk Based on EGARCH-VaR. *Applied Mechanics and Materials*. (475-476), 1747-1750.
- Kumar, M., & Yadav. M. G. (2013). "Liquidity Risk Management in Bank: A Conceptual Framework." *Journal of Management and Research*, (7) 2/4, 1-12.
- Metz, A. D. (2003). "Forecasting Deposit Growth: Forecasting BIF and SAIF Assessable and Insured Deposits." *Washington, D.C.: Congressional Budget Office*.
- Munteanu, I. (2012). "Bank Liquidity and its Determinants in Romania." *Procedia Economics and Finance*. (3) 4. 993-998.
- Nelson, D. (1991). "Conditional Heteroscedasticity in Asset Returns: A new Approach." *Econometrica*, (59) 2, 347-370.
- Poon. S. H. & Granger. C. W.J. (2003). Forecasting Volatility in Financial Markets: A Review. *Journal of Economic Literature*. (41) 2. 478-539.
- Ratnovski, L. (2013). "Liquidity and Transparency in Bank Risk Management." *Journal of Financial Intermediation*. (22) 3. 422-439.
- Ringbom, S., Oz, S. & Rune, S. (2004). "Optimal Liquidity Management and Bail-out Policy in the Banking Industry," *Journal of Banking & Finance*. (28) 6. 1319-1335.
- Sadeghzadeh Yazdi, A., Abounoori, E., & Erfani, A. (2019). "Modeling the Liquidity Gap in Private Bank." *Journal of Money & Economy*, (13) 2, 153-176.
- Tektas, A., Nur Ozkan-Gunay, E. & Gunay, G. (2005). "Asset and Liability Management in Financial Crisis," *Journal of Risk Finance*, (2) 6, 135-149.
- Voldova, P. (2011). "Liquidity of Czech Commercial Banks and its Determinants," *Intrnational Journal of Mathematical Model and Methods in Applied Sciences*, (5) 6. 1060-1067.